آستان دوست

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

آستان دوست

نویسنده:

علی کریمی جهرمی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آستان دوست

مشخصات کتاب

سرشناسنامه: کریمی جهرمی، علی، ۱۳۲۰ -

عنوان و نام پدیدآور: آستان دوست / علی کریمی جهرمی؛ تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد: قدس رضوی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص؛=۱۷ * ۱۲ س م.

شابک: ۰-۲۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: فیپا

موضوع: علی بن موسی الرضا (ع)، امام هشتم: ۱۵۳-۲۰۳ ق . آرامگاه-زیارت.

موضوع: زیارت- آداب و رسوم

موضوع: زیارتنامه ها

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی اداره امور فرهنگی .

رده بندی کنگره - ۱۳۸۷ ۵/۴ ک/۲۶۲ BP

رده بندی دیویی : ۷۶/۲۹۷

شماره کتابخانه ملی: ۱۵۱۲۵۲۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

آستان دوست

نگرشی بر آثار و آداب زیارت

علی کریمی جهرمی

آستان دوست

نویسنده: علی کریمی جهرمی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرایی: محمود بازدار

نوبت چاپ: ششم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۰-۲۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن ۲۰۰۲۵۶۷-۰۵۱۱ صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

فهرست

مقدمه

اهـل بیت (علیهم السـلام) گنجوران دانش انـد. رودهـا و جویبارهـای دانش که مزرعه ی جـان انسـان را در چهـارده قرن اخیر سیراب و شـاداب سـاخته است، از بلنـدای قـامت آسـمانی این کوه نور، سرچشـمه می گیرد. امـام عالمـان و عارفـان علی (علیه السـلام) فرمود:«ینحـدر عنّی السـیل و لاـ یرقی الی الطیر» آبـادانی و شادابی دیارعلم و آگاهی؛ از تلالوء فروزنـده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:«انا مدینه العلم و علی بابها».

دانش اهـل بیت (علیهم السـلام) از جنس دریـافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت اسـت که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی (علیه السلام) در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود:«هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشروا روح الیقین».

پیامبر اعظم (صـلی الله علیه و آله و سـلم) سرسلسـله ی این خانـدان نور و روشـنایی، هر چنـد که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود، امـا پیام و رسالت او، تلاوت و خوانـدن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقراء» آغازشـد و با دانش وبینش که جـان هـای شـیفته را سـرشار می کرد، تـداوم یافت. «هوالـذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» .

او بـا رسالت خویش، جان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضـلالت ها تا باغسـتان بهشتی حیات و زنـدگی، رهنمون شـد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه

هـدایت و صـراط مسـتقیم فرا خوانـد و در تن مرده ی آدمیت روحی دوبـاره دمیـد:«اذا دعاکم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد«یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم».

و خاندان آن حضـرت نیز که از چشـمه ی حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصـر جـاهلیت مـدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می نشانـد و راه او را می توانـد روشن کنـد بهره گیری و بـازگشت به سرچشـمه ی همـان دانش و بصـیرتی است که پیـامبر اعظم و خانـدان پاک و مطهر او (علیهم السـلام) به انسان هـدیه کردنـد و شایـد امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشـریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشـمه های نور اهل بیت (علیهم السلام) و بازخوانی سیره و آموزه های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسـانی که دل آنـان برای انسـان می تپـد فرض است که با ژرف اندیشـی و ژرف کاوی در معارف اهل بیت (علیهم السـلام) گوهرهـای نـاب و آموزه هـای رهایی بخش این گنجینه ی عظیم و الهی... را اسـتخراج کننـد و به بشـر تشـنه و جگر سوخته ی عصر حاضر ارائه نمایند.

بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد (علیه السلام) برای

تمـامی رهروان این راه و تمـامی کسـانی که در مسـیر احیـای امر اهـل بیت (علیهم السـلام) و تعلیم و تعلم معـارف و علوم این خاندان مطهر تلاش و کوشـش می کنند به ویژه اساتید بزرگوار و گرانمایه ای که در تالیف و تنظیم این مجموعه ی ارزشـمند نقش داشته اند طلب سلامتی وبهروزی می کنیم و توفیق آنان را از درگاه حیّ علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می خـواهیم نعمـت بی نظیر زیـارت پـاره ی تن رسـول الله (صـلی الله علیه و آله و سـلم) را بـا بهره گیری از انـدیشه، کلاـم و سـیره ی آن امـام همـام به فرصتی برای تامین نیازهای معنوی و فکری خود تبـدیل نماینـد و با مطالعه ی آثار ارزشـمندی ماننـد این مجموعه، توشه هـای سـعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خود برگیرنـد و خـدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.

معاونت تبلیغات وارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

ص: ۱۰

پیشگفتار

یکی از مراسم عبادی مهم و کارآمد که در جوامع اسلامی به صورت اجمالی و در جوامع شیعی خصوصاً به صورت گسترده رایج و دایر است موضوع زیارت است زیارت کعبه مقدسه و بیت الله الحرام برای تمام مسلمین درهمه جای جهان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده و وجوب آن با شرایط خاص از ضروریات دین به شمار می آید و امت اسلامی یعنی طوایف مختلف و مذاهب چهارگانه ی اهل سنت و نیز جامعه ی شیعه سخت بدان پای بندند.

زیارت مرقد مطهر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) هر چند واجب نیست بلکه از مستحبات به شمار می آید ولی نزد امت اسلامی جایگاهی رفیع و با عظمت دارد به طوری که عملاًـ (و نه اعتقاداً) همانند زیارت بیت الله الحرام است.

زیارت قبور مطهر امامان شیعه (علیهم السلام)، برای گروه هایی از اهل سنت عملی مقدّس است اینان در مراسم زیارت قبور مقدس ائمه (علیهم السلام) حضور می یابند در این میان به استثنای یک طایفه ی متعصب و بی منطق که دست نشانده ی اجانب و دشمنان اسلام اند و هر عملی طبق اندیشه جاهلانه آنان نباشد شرک قلمداد می شود و خصوصاً از تکفیر کردن انسان های بی گناه و صدور حکم قتل و ریختن خون پاک آنان لذت می برند طوایف دیگر آن ها مخالفتی ندارند بلکه گاهی این زیارت را موجب اجر و ثواب می دانند و خود نیز به زیارت امامان بزرگوار از خاندان پیامبر اسلام می شتابند و احیاناً حوایج خود را در آن مهابط رحمت از خدا درخواست می کنند.

و لیکن شیعه که دنباله و قرآن کریم و مفاهیم عالیه ی اسلام ناب

است و در خط پیغمبر و اوصـیای او یعنی ائمه اهل البیت (علیهم السـلام) حرکت می کنـد زیارت قبور منوّر آن عزیزان خدا را عبادتی بزرگ، ارزشمند و جامع خیرات دنیا و آخرت می داند و چنان بدان اهتمام می ورزد که حتی در سخت ترین شرایط و بحرانی ترین وضع، آن را ترک نمی کند؛ بهای سخت و غرامت شدید آن را می پردازد ولی این مراسم شکوهمند را از دست نمی دهـد و گواه زنـده این مـدّعی قربانیـان بی شـماری است که شـیعه در نجف، کربلاـ و کاظمین داده است و گاهی زنان و کودکان شـیرخوار و پیران کهنسال آنان به دست جنایتکاران قتل عام شده و می شوند ولی مراسم زیارت آن قبور پاک تعطیل نمی گردد و این یکی از عوامل پیشروی و نفوذ شیعه در جهان است.

مشهد الرضا (علیه السلام) در هر شب و روز به ویژه درایام و مناسبات مخصوص ناظر جمعیت های بی شمار و افزون از حساب است؛ گاهی اجتماعات چنـد صـد هزار نفری و گاهی جمعیت میلیونی و احیاناً چنـد میلیونی در آن بارگاه قدسـی و با عظمت حضور می یابند. امروز مشهد مقدس و مضجع و مرقد مطهرحضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مظهر عظمت خاندان پیغمبر گردیده و جلال و نفوذ بی نظیر و حمایت اهل بیت (علیهم السلام) در آن مکان مقدس و روضه ی مطهر متبلور می شود و جـداً همه را به حیرت واداشـته است. اجتماعات بی نظیر مشـهد مقـدس به معجزه ای تبـدیل شـده که جز با اراده ی ازلی الهی صورت پذیر نیست و برای احدی جز اهل بیت پیامبر (صـلی الله علیه و آله و سـلم) و اوصـیاء آن حضرت علی و آل علی (علیهم السلام) فراهم نخواهد گردید.

هر شب و روز تعداد فراوانی انسان مخصوصاً از نسل جوان

پسر و دختر در این مراسم با شکوه شرکت می کنند و از گناهان خود روی برگردانده و به سوی پاکی و پرهیزگاری روی می آورند.

اگر روزی حقیقت و ماهیت زیارت و آداب و شرایط آن کاملاً تشریح می شد خدا می داند که این مرکز مقدّس و این زیارت سراسر نفوذ و جاذبه چه طوفانی و انقلابی به وجود آورد و چه تحوّلی در میان جامعه، خصوصاً نسل جوان ایجاد نماید.

کتاب حاضر بر این اساس محکم و زیر بنای اصولی نوشته شده و تقدیم دلدادگان زیارت امام هشتم و زایران مکرم قبر قِبله ی اهل ولا حضرت رضا (علیه السلام) و سایر امامان معصوم و حجج الهی (علیهم السلام) می گردد.

این کتاب حاوی یک مقدّمه و سه بخش اصلی و یک بخش پایانی است.

سه بخش اصلی:

۱. مفهوم و ماهیت زیارت و اقسام آن.

۲. نقش زیارت و آثار و برکات آن.

۳. عنایات و کراماتی از حضرت رضا (علیه السلام).

۴. آداب و شرایط زایر و زیارت

و قسمت پایانی امور و مطالبی در رابطه با زیارت و عرض ادب شاعرانه و نیایش زایران است.

امید است که به برکت حضرت رضا (علیه السلام) این نوشتار ناچیز برای زایران عزیز تأثیرگذار باشد و مورد عنایات حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) قرار بگیرد.

قم حوزه علمیه

علی کریمی جهرمی

ص: ۱۵

بخش اول: مفهوم و حقیقت زیارت و اقسام آن

اشاره

معنی و مفهوم زیارت

زیارت در لغت به معنای قصد است و گویا کسی که به زیارت کسی می رود او را قصد کرده و به قصد وی به راه افتاده است.

معنای اصطلاحی زیارت وحقیقت آن، حضور درنزد مقامی وشخصیتی به منظور بزرگداشت و احترام او و انس گرفتن با اوست.

زیارت احیاء

زیارت در مورد احیا و زندگان از اقوام و خویشان و یا دوستان و انسان های با قداست، یک معنای روشن و متداول دارد و در روایات شریفه بابی به عنوان: «باب زیاره المؤمن» و یا «باب زیاره الاخوان» به چشم می خورد؛ در آن بخش، روایاتی حاکی از از اجر و پاداش فراوانی که برای ملاقات و دیدار انسان های با ایمان وارد شده ذکر کرده اند که البته هر اندازه شخص زیارت شده دارای مراتب بالاـتری از معنویت و فضیلت باشد ثواب و پاداش دیدار و ملاقات او بیشتر و بالاتر است؛ چنان چه نیّت و هدف زیارت کننده هر اندازه خدایی تر باشد و زیارت و دیدار به لحاظ ایمان و فضایل او صورت گرفته باشد در ارزش آن زیارت و ثواب آن زیارت، اثر خواهد گذاشت.

زیارت گذشتگان

در مورد اشخاص متوفّی نیز کلمه ی «زیارت» استعمال می شود که البته بیشتر به قبر آنان نسبت داده می شود.

این مطلب نشأت گرفته از جهان بینی اسلام و دید وسیع و عمیق ادیان آسمانی به ویژه اسلام است که حیات و زندگی را منحصر به زندگی این جهان نمی دانند و انسان را در چهار دیواری جهان طبیعت محدود نمی کنند بلکه ورای این عالم، عالمی گسترده تر، جالب تر و زیباتر برای انسان قایل اند.

مادّیون که اعتقادی به ماورای طبیعت ندارند و حیات را در همین محدوده ی جهان طبیعت، تفسیر می کنند نمی توانند این اصطلاح و استعمال دوم زیارت را داشته باشند و ندارند.

ولی ادیان الهی و پیروان آن ها یعنی معتقدان به جهان غیب و عالم ابدی و کسانی که باورهای غیبی و فوق مادّی دارند و تنوع حیات و تجدید صورت و تکامل آن را پذیرفته و بدان اعتقاد دارند این واژه «یعنی زیارت» را در مورد گذشتگان نیز دارند و به کار می برند و از این رو یکی از مسلّمات آنان زیارت اهل قبور یا زیارت اموات یا زیارت شهیدان است و به صورت یک برنامه مذهبی و دینی آن را انجام می دهند.

اهل ادیان و بالخصوص اسلام، مردگان را فاقد فهم، درک و شعور نمی دانند بلکه معتقدند آنان هم حیات دارند؛ نهایتِ امر این که حیات آنان تغییر شکل داده و تغییر یافته و با توجه به شرایط مخصوص خود، درک وفهمی متناسب دارند؛ از این رو از دیدار زندگان و بازماندگان از منازل و مقابر آن ها خوشحال، مسرور و

شادمان می گردنـد و از این که از خاطر و ذهن بازماندگان رفته و دوسـتان و بسـتگان، آنان را فراموش کرده باشـند و یادی از آن ها نکنند نگران و ناراحت و چه بسا گله مند باشند و احیاناً به جای دعا نفرین کنند.

طبق نقل امام صادق (علیه السلام) حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

زورواموتاکم فانهم یفرحون بزیارتکم....(۱)

مردگان خود را زیارت کنید زیرا آنان از این که شما به زیارتشان بروید مسرور و شادمان می گردند.

در روایت دیگری آمـده که محمد بن مسـلم می گوید: به حضـرت صادق (علیه السـلام) عرض کردم: «آیا مردگان را زیارت کنیم؟» فرمود: «آری!» عرض کردم: «آنها علم و آگاهی دارند که ما به زیارتشان می رویم؟» فرمود:

ای والله انهم لیعلمون بکم و یفرحون بکم و یستأنسون الیکم(۲)

آری! به خدا سوگند تحقیقاً آنان می دانند و از این عمل شـما آگاهی دارند وبا آمدن شـما به سوی آنان، خوشحال و با نشاط می گردند و با شما انس می گیرند.

این روایـات و روایـات متعـدد دیگر تصـریح دارنـد که مردگـان از آمـدن احیـاء در کنـار قبر آنـان اطلاـع دارنـد و از این کارِ زنـدگان، که نوعی بزرگـداشت آنـان است، مبتهـج و فرحنـاک می گردنـد و حتی در آن لحظـات، بـا احیا انس می گیرنـد و احساس وحشت و تنهایی نمی کنند.

۱- وسائل الشیعه، ج۲، باب ۵۴،ح۵.

۲- وسائل الشیعه، ج۲، باب ۵۴، ح۲.

امام باقر (علیه السلام) نقل می کنند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جبرئیل (علیه السلام) برای من چنین گفت: خداوند فرشته ای را به سوی زمین فرستاد. آن فرشته شروع به راه رفتن کرد تا به درِ خانه ای رسید که مردی آن جا ایستاده و از صاحبخانه اجازه ورود می خواست. آن ملک گفت: «با صاحب این خانه چه کاری داری؟» پاسخ داد: «او برادر مسلمان من است. آمده ام که برای خدا او را زیارت و دیدار کنم.» ملک گفت: «از آمدنت هیچ منظوری جز این نداشتی؟» در پاسخ گفت: «نه! فقط به همین منظور آمده ام.» آن فرشته گفت: «پس من فرستاده ی خداوند به سوی توام؛ خداوند، سلام می فرستد و می فرماید: بهشت برای تو واجب و حتمی گردید و اضافه کرد که: خداوند عزوجل می فرماید:

هر مسلمانی که مسلمان دیگری را زیارت کند او را دیدار نکرده بلکه مرا زیارت کرده و ثواب و پاداش او بر من بهشت است.»(۱)

۱- کافی، ج۲، ص۱۷۶، ح۲.

زیارت قبور علما و بزرگان

زیارت قبور مؤمنان معمولی دارای آن همه اجر و پاداش بود، اکنون اگر انسان به زیارت قبر یک انسان شایسته، صالح و پرهیزکار برود و یا در جوار مزار یکی از علمای بزرگوار شیعه و نوّاب حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف با قبر شریف آن عالم بزرگوار و والا مقام، انس بگیرد و از روح بلند و پاکش استمداد کند چه اجر و پاداش های بزرگ و چه آثار خیری را به دنبال دارد؟! و چه بسیارند کسانی که در کنار قبر انسان صالح، بزرگوار و وارسته ای یا در کنار مزار عالم مهذب و مجتهد والا مقام و آزاده ای به اذن خدا به مراد و مقصد و حاجت خویش دست یافته اند و مشکلات زندگی آن ها مرتفع گردیده و به آسانی از دست انداز های خطرناک زندگی رها شده اند.

و البته هیچ بُعدی ندارد که بنده بس صالح و شایسته ای که پیوسته در مسیر بندگی خداوند بوده، رضا و خشنودی معبودش را بر رضای خویشتن ترجیح می داده و در مقابلِ اوامر و مقررات الهی، هوای نفس خود را زیر پاگذاشته مورد عنایت الهی قرار بگیرد و خداوند قادر و مهربان به برکت آن انسان صالح و خداجو حاجت کسی که در کنار قبر او به خدا روی آورده برآورده سازد.

و یا انسان بزرگواری که عمری را در راه تحصیل علم و دانش الهی به سربرده و همراه فراگیری علم به تهذیب نفس پرداخته و به مقام نیابت از امامان معصوم (علیهم السلام) به ویژه حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده و راحتی و آسایش و همه زندگی خود را در راه ترویج دین خدا و آشنا شدن مردم با معبود یگانه و با ائمه هداه مهدیّین (علیهم السلام)

قرار داده تـا آن جـا از مـورد لطـف بی دریـغ الهی بهره منـد گردد که اشـخاص خـداجو در کنـار قـبر او مورد افـاضه ی فیض خداونـدی واقع شونـد و بنـدگان خـدا در این مکـان و به برکت زیـارت مـدفن یـک عالم ربانی و فقیه عادل جامع الشـرایط به حوایج خود دست بیابند و خداوند کار آن ها را اصلاح کند.

و این جـانب سـال هـا پیش از شـیخنا الاسـتاد حضـرت آیت الله حـاج شـیخ محمـد علی اراکی رضـوان الله علیه شـنیدم که می فرمودند: «من از قبر مرحوم آقای حاج سید محمد تقی خوانساری قدس سره یا کنار قبر ایشان حوایج خود را می گیرم.(۱)

نیز انسـان مؤمن صادق القولی که اورا به خوبی می شـناسم می گفت: «چنـد سال قبل برای رفتن به حـج واجب، دچار مشـکل شده بودم؛ حتی چون بعضـی می گفتند که در حج واجب می توان به اشـخاص دارای نفوذ مراجعه کرد، به بعضی از آنان هم مراجعه کردم و موضوع را بـا آن هـا در میـان گذاشـتم و بـا این حال، مؤثر واقع نشـد تا اتفاقاً در شب چنـدمین سالگرد مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شـیخ عبدالکریم حائری قدس سره مجلس بزرگداشت ایشان منعقد بود. من در آن مجلس به روح پاک ایشان متوسل شدم. دو یا سه روز بعد، جریان کار، اصلاح شد و توانستم به حج مشرف شوم.»

شایان توجه است که باید زیارت علمای ربانی، تهذیب شده و بی هوا، عالمان خداجو و دل به خدا داده را در ایام حیاتشان نیز مغتنم شمرد و از فیض حضورشان، از علم و فضایل فراوان و از روحیات و معنویات آنان حداکثر استفاده را کرد؛ از بیانات

۱- نقل به مضمون.

و افاضاتشان بهره مند گردید و این فرصت طلایی را نباید از دست داد.

از خاطراتی که این جانب از سفرهای تبلیغی خود در چند دهه قبل که این گونه اشتغالات داشتم به خاطر دارم این است: در اهواز روزهای جمعه که فرا می رسید مردم محترم آن سامان به حضور علمای اعلام آن جا می آمدند و آن ها را زیارت می کردند.

زیارت مقابر شهیدان

در میان انسان های خداجو و دلدادگان حق، شهیدان از همه، پیش گام ترند؛ خداجویی و دلدادگی آنان به اثبات رسیده و برای کسی قابل تردید نیست؛ زیرا آن ها در کوی دوست و منای عشق الهی و برای دفع شر اشرار از حریم مقدس دین و آیین پروردگار از مهم ترین متاع گران بهای خود گذشته و جان شیرین خویش را در این مسیر فدا کردند.

این انسان های والا و گران قدر برای حفاظت وحمایت ازدین خدا، مردانه به پاخاستند؛ دشمن غدّار را در کار خود حیران ساختند؛ آن ها را به عقب راندند و ملت و مکتب مقدس خود را سرافراز نمودند. آنان در این معامله ی بزرگ با خداوند، جان عزیز خود را مفتخرانه فدا کردند و بالاترین مقامات جهان ابدی را به دست آوردند. خداوند بهترین مقام، اجر و ثواب را برای آنان قرار داده و ذخیره کرده است.

از جمله پاداش های پرافتخاری که خدا به آنان عطا فرموده قداست قبر آنهاست؛ مردم به سوی این اماکن و بقاع می روند؛ از به خون خفتگان آن مکان های مقدس الهام می گیرند و صفات برجسته آن فرهیختگان برایشان تداعی می شود: آدمی از آن گلزار معطر، غیرت، ایثار، جهاد، فداکاری، پایمردی، بزرگواری، پارسایی وسایر صفات عالیه ی انسانی را فرا می گیرد.

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق

آید از آن خاکدان، زمزمه ی دوست دوست

از دیگر سو زیارت قبور شهیدان، بزرگداشت شخصیت آن عزیزان و در حقیقت بزرگداشت مکرمت ها وصفات برجسته،جهاد، ایثار وجوانمردی است.

شیخ کلینی قدس سره نقل کرده است: «امام صادق (علیه السلام) ضمن حدیثی این جمله را فرمودند: به ما رسیده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر زمان که به سوی قبور شهدا می آمد می گفت:

«السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»(۱)

قطب الدین راوندی (متوفای سال ۵۷۳ قمری) از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: «فاطمه زهرا (علیهاالسلام) در هر روز شنبه به هنگام صبح، به سوی قبور شهدا در اُحد می آمد و نزد قبر حمزه (علیه السلام) توقف کرده و برای او طلب رحمت و استغفار می کرد.»(۲)

زیارت گلزار شهیدان و مقابر نورانی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است خصوصاً به لحاظ آن چه که در قرآن کریم آمده است آنان زنده اند و نباید حتی تصوّر، توّهم و خیال مرگ آنان را کرد بلکه آنان از رزق و روزی الهی در جهان ابدیت برخوردارند و به آن الطاف و عنایاتی که خداوند درباره ی آنان دارد شادمان می باشند.

و این صریح قرآن کریم است:

وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ قُتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ فَرِحِینَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ وَیَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِینَ لَمْ یَلْحَقُواْ بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ الّا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلاَ هُمْ یَحْزَنُونَ(۳)

۱- الدعوات، ص ۵۶۰.

۲- کافی، ج۴، ص۲۷۳.

۳- سوره آل عمران، آیه۱۶۹ ۱۷۰.

وگویا حیات شهیدان نسخه ممتازی ازحیات است وآنان برسایرمردگان و درگذشتگان، در حیاتِ پس از مرگ، امتیاز دارند، زندگیشان سراسر افتخار و همراه با انواع و اقسام لطف و رحمت الهی وقرینِ عنایات بیکران ذات لایزال او و آمیخته به بهترین شادی ها و نشاط ها و خرّمی هاست. شادی و نشاطی که برای ما زمینیان و خاکیان و دلبستگان به دنیا و ما اسیران مادیات قابل درک و فهم نیست و چنان است که تا انسان آن را مشاهده نکند و لمس ننماید به حقیقت آن پی نمی برد.

راستی رفتن به زیارت قبر پاک و تربت نازنین این سرافرازانِ تاریخ، لـذّت بخش، افتخار آفرین، پندآمیز، تحول بخش و راهگشای یک زندگی صحیح و معقول است.

زیارت امامزادگان والا مقام

اشاره

از انواع زیـارت هـا، زیـارت امامزادگـان والاـ مقام است؛ آنان شاخ و برگ درخت های بارور و پر ثمر رسالت و ولایت انـد و احیاناً بـدون واسـطه و گاهی با وسایطی چند به امامان معصوم و حجج الهیّه (علیهم السـلام) متصل می شوند؛ پاره های تن آن عزیزان خـدا به شـمار می رونـد و زیارت آن گوهرهای تابناك راهی برای نیل به رضا و خشـنودی آبای گرامی و اجداد پاك آن هاست.

دستت نمی رسد که بچینی گلی ز شاخ

باری به پای گلبن ایشان گیاه باش

و از الطاف بزرگ الهی و از شعب رحمت بی کران او درباره بندگان این است که آن عزیزان در بلاد متفرّق و در شهرها بلکه روسـتاها، کوه هـا و صـحراها پراکنـده می باشـند و نوع مردم حـتی طبقـات مسـتمند که به زیـارت قبور منوّر حجت هـای الهیه دسترسـی ندارند به لطف الهی می توانند به زیارت این امامزادگان واجب التعظیم نایل گردند و از کنار قبر شریف این عزیزان خدا، کسب فیض های ربانی کنند.

شایان ذکر و در خور توجه است که هر چنـد در بین امامزادگان احیاناً افرادی پیـدا شـده انـد که به مقتضای شایستگی بسـیار بالای خانوادگی و طهارت اَعراق و اصالت انساب خود پیش نرفته انـد و موجب نگرانی خانـدان عصـمت و طهارت، شـیعیان و دلـدادگان آن هـا شـده انـد ولی این گونه افراد در میـان امامزادگان بسیار کم و نادر الوجودنـد و نوع و اکثریت غالب آن ها انسان های بزرگوار

و خداجویی بوده اند که از شمیم معطر معنویت و قدسیت آباء طیبین و اجداد طاهرین خود صلوات الله علیهم اجمعین بهره مند بوده اند و گاهی بهره های وافر برده اند.

آری! در میان آن امامزادگان والا مقام عده ای هستند که در فضیلت، کمالات معنوی، مراتب و مدارج علمی و معنوی و پیروی از آباء گرامی خود سرآمد روزگار وشهره آفاق و مورد اشاره پاکان و زبدگان جهان و ملجأ خاصّان و مخلصان دربار الهی بوده اند و آثار خیر و برکات بی شمار از قبور منور آنان بروز کرده و موجب توجه کاروان دل ها به سوی حق و حقیقت گردیده است.

ما در این مقام چند نفر از آن والامقامان و مکرمان دربار الهی را به عنوان نمونه ذکر کرده و درباره ی مقامات عالی و شأن رفیع آنان اشاره ای کرده و می گذریم:

۱. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

مدفون در شهرستان قم، دختر والاتبار حجّت الله علی العباد و ولیّ الله فی البلاد حضرت موسی بن جعفر الکاظم امام هفتم شیعه صلوات الله علیهما.

این بانوی معظمه و جوان سال، اختری درخشان است که درآسمان ولایت درخشندگی ویژه دارد و چشم و چراغ اهل ولا و دلدادگان آل محمد صلوات الله علیه و علیهم اجمعین است؛ او دخت والامقام امام کاظم و خواهر گران قدر حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و عمه پر افتخار امام نهم حضرت جواد الائمه (علیه السلام) است؛ علاوه بر این جهت، از سه امام معصوم روایاتی در مورد زیارت آن بانوی مطهر و ثواب بی شمارِ زیارت آن معظمه ی دوران رسیده است و آن سه بزرگوار، حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، حضرت رضا (علیه السلام) و حضرت جواد (علیه السلام) می باشند. از زبان این بزرگواران به طور صریح به زایرین قبر شریفش وعده ی بهشت و رحمت واسعه الهی داده شده است.

از مظاهر لطف و رحمت الهی و از موجبات سرافرازی شیعه و افتخار دلدادگان ولایت و امامت و خاندان طاهر و مطهّر علی و آل علی (علیه السلام) است. این است که حرم شریف این بانوی آسمانی و فاطمه ثانی در طول روز و شب، از خیل زایران و دلدادگان خالی نمی شود و جمعیت علاقه مندان با شوق فراوان در حرم مطهر و رواق های منوّر و مساجد مقدس متصل به آن حرم نورانی، به زیارت آن معظّمه، دعا، عبادت و راز و نیاز با خدا مشغول اند و پیر و جوان و زن و مرد و عموم طبقات مردم

خوشحال و مسرورند که به زیارت حضرت معصومه (علیهاالسلام) و تقبیل ضریح مقدس آن بزرگوار، موفق شده اند.

۲. حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه

در شهر ری مدفون است و نسبش با چهار واسطه به حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) می رسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

این امامزاده ی عالیقدر حضور مکرّم سه نفر از ائمه ی طاهرین یعنی حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری (علیهم السلام) را درک کرده و از فیض حضور آن حجت های الهی بهره های وافر و فیض فراوان برده است. حضرت عبدالعظیم روایات بسیاری از حضرت جواد و حضرت هادی سلام الله علیهما نقل کرده است؛ او نزد آن بزرگوار محترم بود و او را بسیار دوست می داشتند.

حضرت عبدالعظیم از رواه و محدثین بزرگ شیعه و از علمای عظیم الشأن امامیه است و چنان که از بعضی از اساتید بزرگوار رضوان الله علیهم اجمعین در ذهن دارم جنبه امامزادگی این امامزاده ی واجب التعظیم جهات علمی و ثقافی او را تحت الشعاع قرار داده است. آن بزرگوار در مراتب معنوی سرآمد روزگار و پیوسته مشغول عبادت و ذکر و دعا بود؛ او شب ها را به بندگی، راز و نیاز با خدا و روزها را با روزه به سر می آورد.

در فضیلت زیارت آن بزرگوار همین بس که شخصی از اهل ری می گوید: بر حضرت ابوالحسن (امام هادی (علیه السلام)) وارد شدم. حضرت فرمود: «کجا بودی؟» عرض کردم: «به زیارت امام حسین (علیه السلام) رفته بودم.» امام هادی فرمود:

اما انک لو زرت قبر عبدالعظیم عندکم لکنت کمن زار

الحسین بن علی علیهماالسلام (۱)

آگاه باش که اگر قبر عبـدالعظیم را که در نزد خودتان (در ری) است زیارت می کردی مانند کسـی بودی که حسـین بن علی علیهماالسلام را زیارت کرده است.

۱- ثواب الاعمال صدوق، ص۱۰۴؛کامل الزیارات ابن قولویه، ص۳۲۴؛ وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۴۵۱.

۳. سید امیر احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) علیه السلام مدفون در شیراز

نـام مبارکش احمـد و هم نام جـدّ امجـدش حضـرت رسول اکرم (صـلی الله علیه و آله و سـلم) است. وی فرزنـد بلا واسـطه ی حضـرت موسـی بن جعفر (علیه السـلام) بوده و در این اعصـار اشـتهار کامـل به شاه چراغ پیـدا کرده است. او در ایام مأمون به شیراز آمده و در آن جا درگذشته و شهید شده است.

جنیـد شـیرازی می نویسد: «او بسـیار بزرگوار و کریم النفس و با رأفت بوده به طوری که هزار نفر بَرده را از عبید و اماء در راه خدا آزاد نمود.»(۱)

و این همان است که در بعضی از عبارات آمده که: «هزار مملوک از مال خویش آزاد نمود.»

و شـیخ مفید فرموده: «احمد بن موسی سیدی کریم، جلیل، صاحب ورع و مورد علاقه و محبت حضرت ابوالحسن موسی (علیه السلام) بود و حضرت، او را مقدم می داشت.»(۲)

به هر حال آن بزرگوار دارای مقامی بس رفیع است و روضه ی منوره و صـحن و سـرای آن بزرگوار همواره محلِ آمـد و شـد زنان و مردان صـغیر و کبیر از دلـدادگان خانـدان پیغمبر (صـلی الله علیه و آله و سـلم) است و زایران بسـیاری از خود شـیراز و شهرهای مجاور آن و بلکه شـهرهای بعید دارد و متوسـلان و ارباب حاجت در کنار قبر مطهرش به دربار الهی روی آورده و به برکت آن سید ابرار به حوایج و مقاصد خود دست می یابند.

۱- شد الإزار فی حط الاوزار عنزوار المزار، ص۲۸۹.

۲- ارشاد مفید، ج۲، ص۲۴۵ و ۲۴۶.

بعد از شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) حضرت احمد بن موسی و برادران او که به عزم دیدار و ملحق شدن به امام رضا (علیه السلام) حرکت کرده بودند با شنیدن این خبر دردناک، افسرده خاطر و شدیداً نگران شدند و بالاتر این که تحت تعقیب عوامل حکومت قرارگرفته ویارانشان نیزپراکنده شدند. آن بزرگوار از چنگال دژخیمان، گریخته تا وارد شیراز شد و در منزل یکی از دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) همین مکان که اکنون بقعه و بارگاه منور اوست پنهان گردید و شب و روز به عبادت مشغول بود تا یک سال گذشت؛ جاسوسان والی فارس مکان او را شناسایی کردند و لشکری برای دستگیری اش وارد عمل شدند. آن بزرگمرد یک تنه با آنان مقابله می کرد و شجاعتی حیرت آور از خود نشان داد تا هنگامی که برای استراحت تکیه به دیوار داده بود از عقب، ضربتی با شمشیر بر سر نازنینش وارد نمودند.

و از طرفی در همان حال، جمعی مشغول خراب کردن خانه بودند؛ از این رو بدن مبارکش زیر توده های خاک پنهان شد و بعد بر اثر دشمنی اعداء اهل بیت (علیهم السلام)، آن مکان، مرکز زباله ها گردید. این وضعیت تا اوایل قرن هفتم هجری که اتابک مظفر الدین در مقام سلطنت فارس قرار گرفت، ادامه داشت. او مردی بسیار صالح بود و در تعظیم شریعت و اهل شرع، سعی فراوان می نمود. امیر مقرب الدین از وزرا و مقربین او دستور داد برای عمران و آبادی شهر، آن تلّ زباله دان را از میان بردارند و به جای خانه ای که خراب شده بود عمارتی بزرگ برپا کنند. کارگران بسیاری مشغول انجام این کار شدند و زباله ها را به خارج از شهر می بردند.

روزی در اثنای کار، جسـد تازه مقتولی بـدون این که تغییری یافته باشـد با چهره ای بسـیار زیبا و فرق شـکافته پیدا شد. خبر به وزیر داده شـد و بر حسب امر او عـدّه ای برای بررسـی جریـان آمدنـد و در دست آن جوان، حلقه ی انگشـتری ای را مشاهـده کردند؛ این جمله بر خاتم آن نقش بسته بود: «العزه لله احمد بن موسی»

با قراین و شواهدی خصوصاً انگشتر دانسـتند این جسد مطهّرِ حضـرت احمد بن موسـی برادر حضـرت رضا (علیه السلام) است که بعـد از حـدود چهـار صـد سال این گونه سالم و با طراوت باقی مانـده است و این خود موجب اسـتبصار جمعی از مردم که مخالف خاندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند گردید.(۱)

به هر حال، این امامزاده، بسیار عظیم الشأن و والامقام است؛ فضایل و مناقب بی شمار او ایجاب می کند که همه از این کانون فضایـل بهره منـد شونـد و از راه دور و نزدیک به زیارت مرقـد منور و روضه مطهر آن بزرگوار، مشـرّف گردیـده و از انوار او بهره مند شوند.

بزرگـانی به زیـارت این مرقـد شـریف افتخـار می کردنـد و یـا از روح مطهر حضـرت احمـد بن موسـی الکاظم (علیه السـلام) استمداد می نمودند.

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در شـرح احوال ایشان می گوید: «و این احقر در سنه ۱۳۱۹ در مراجعت از بیت الله الحرام از شیراز برگشتم و در آن بلده، تربت پاک او را زیارت کردم و از باطن آن بزرگوار استمداد نمودم.»(۲)

۱- به شب هـای پیشاور، ص۱۱۸ تا ۱۲۰ مراجعه شود. مرحوم سـلطان الواعظین شـیرازیجریان شـهادت آن بزرگوار را مشروحاً نقل کرده است.

۲- منتهی الآمال، ج۲، ص۱۵۵.

و به یاد دارم مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله علیه کسالتی شدیـد پیـدا کرده بودند. خانمی از نوادگان ایشان در آن ایـام برای دیـدن خویشاونـدان و نزدیکانش، عازم شـیراز بود و برای خـداحافظی به حضور ایشان رفته بود. معظم له وجهی داده و امر فرموده بودند آن را در حرم حضرت شاه چراغ به مصرف برساند و شفای ایشان را بخواهد.

۴. حضرت سید امیر محمد عابد

ناگفته نماند که در فاصله بسیار نزدیکی از بقعه مبارکه شاه چراغ، بقعه منور برادر ایشان حضرت سید امیر محمد قرار دارد. اکنون که صحن های این دو بزرگوار یکدست شده و به صورت صحنی بسیار بزرگ و با عظمت در آمده قبه و بارگاه شاه چراغ یک طرف صحن و قبه و بارگاه برادرش حضرت سید امیر محمد طرف دیگر صحن قرار دارد. او همسفر با حضرت شاه چراغ بوده و امامزاده ای بسیار جلیل القدر و عظیم المنزله است.

در کثرت عبادت و بندگی خداوند، اشتهار دارد؛ همواره با وضو و طهارت و در حال نماز بود. شب ها مشغول نماز بود و چون از نمازها فارغ می گشت ساعتی استراحت می کرد؛ دگرباره از خواب برمی خاست و مشغول طهارت و نماز می شد؛ مقداری استراحت می کرد. باز برمی خاست؛ وضو می گرفت و مشغول نماز می گردید و به همین منوال بود تا صبح، طالع می شد.

هاشمیّه کنیز رقیه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) گفته است: من هیچ گاه محمد را دیدار نکردم مگر این که این آیه از کتاب خدا را به یاد می آوردم:

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ(۱) و(۲)

آنها متقین کمی از شب را می خوابیدند.

این امامزاده بزرگوار در کثرت عبادت و مناجات با خدا به جایی رسیده بود که به محمد عابد، اشتهار پیدا کرده بود. وی

۱- سوره و الذاریات،آیه۱۷.

۲- منتهی الآمال، ج۲، ص ۱۵۵و۱۵۶.

به عنوان نیایشگر و عابد دوران خویش شناخته می شد و در شب زنده داری سرآمد اقران بود. او در نهایت، در شیراز به آباء طیبین خود پیوست و نزدیک قبر برادرش حضرت شاه چراغ، مدفون گردید.

زیارت معصومین و امامان اهل بیت علیهم السلام

بالاترین، ارزنده ترین و پرفضیلت ترین زیارت ها زیارت معصومین پاک و امامان از آل محمد (علیهم السلام) است. زیارت پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و زیارت دخت گرامی آن حضرت و ائمه ی اهل بیت و خاندان مطهر رسول الله (علیهم السلام) از بهترین وسایل الی الله تعالی است و با برکت ترین زیارت ها از نظر آثار، فواید و نتایج بی شمار می آید.

زیارت ائمه اطهار (علیهم السلام) از بهترین ذخایر شیعه است. حرکت دلدادگان، از بلاد دور و نزدیک، به عزم زیارت امامان معصوم و واجب الاطاعه را با زیارت کسانی که پیش از این در فصل های جداگانه ذکر کردیم نمی توان مقایسه کرد. زیارت این بزرگواران از همه بالاتر و با اهمیت تر است و همچنان که نمی توان شخصیتی و یا شخصی را با آنان مقایسه و موازنه نمود نمی توان زیارت هیچ کس حتی مؤمنان پرهیزکار و با تقوا، عالمان فرهیخته و خدمتگزار و شهیدان گلگون کفن و آغشته به خون را با زیارت آنان مقایسه کرد.

زیرا در نسبت با زیارت مؤمن، حضرات معصومین (علیهم السلام)، عصاره ایمان و رؤسای اهل ایمان به شمار می آیند. در نسبت با زیارت عالم و علما ائمه (علیهم السلام) علمای آل محمد ند و در روایات آمده که:

نحن العلماء و شیعتنا المتعلمون و باقی الناس غثاء

ما علماییم و پیروان ما متعلّم و در مسیر آموزش اند و باقی مردم موجودهای زاید وبی ثبات اند.

و از طرفی امامان معصوم (علیهم السلام)، رؤسای علما و معلّم عالمان پاک و مرکز تغذیه ی علمی علمای دین اند.

و در نسبت با شهدا، آنان اولاً خود شهیدند و ثانیاً مقتدای شهیدان و امام شهیدان و الهام بخش شهیدان اند و حیات امامان معصوم (علیهم السلام) در جهان ابدی قوی تر و بالاتر از حیات شهیدان است؛ زیرا علاوه بر جنبه شهادت، حجت بالغه ی الهی و اولیای خاص خداوند بزرگ می باشند؛ در اذن دخول حرم های مطهره می خوانیم:

و اعلم ان رسولک و خلفاءک (علیهم السلام) احیاء عندک یرزقون یرون مقامی و یسمعون کلامی و یرَدّون سلامی

و من می دانم که رسول تو و خلفا و جانشیان تو (علیهم السلام) زندگانی هستند که در نزد تو روزی می برند؛ آنان جایگاه مرا می بینند و سخن مرا می شنوند و جواب مرا می دهند.

آری! مرگ آنان نمی تواند رابطه ی شیعیان و دوستانشان را از آن ذوات مقدسه قطع کند بلکه همواره این رشته مقدس باقی و این حَبل الله برقرار است و این اتصال و پیوند، پیوسته مصون و محفوظ می باشد.

بنابراین زیارت امامان معصوم به دیدار آنان رفتن، کنار قبر شریف و در زیر قبه مبارکه آن عزیزان بار انداختن، ارتباط مستقیم با آن ها برقرار نمودن، با آن ذوات مقدسه راز دل گفتن و سر بر آستان آن عزیزان خدا نهادن است بلکه تنها اظهار راز و غم درون خود را نمودن نیست که رد و بدل شدن سخنان و گفت و شنود است؛ سلام کردن و پاسخ شنیدن و مورد توجه و لطف ولیّ خدا قرار گرفتن است.

ص: ۴۱

بخش دوم: نقش زیارت و آثار و برکات آن

اشاره

مصداق بارز آیه مودّت، زیارت امامان است

کسانی که با قرآن کریم در ارتباط اند و با مفاهیم عالیه آن آشنا می باشند می دانند که خداوند در این کتاب آسمانی مردم مسلمان و علاقه مندان به دین را به مودّت ذی القربی و نزدیکان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرا خوانده، آن را به صورت مؤکّد بر مردم لازم گردانیده و این موضوع را مزد رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داده است:

قل لا اسألکم علیه اجراً الّا المودّه فی القربی(۱)

بگو ای پیامبر! من از شما بر رسالتم درخواست هیچ اجر و پاداشی نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکان و اهل بیتم.

مودت و محبت نسبت به خاندان پیغمبر و اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امری مستمر است، در هر عصر و زمانی جریان دارد و اختصاصی به زمان حیات آن بزرگواران ندارد بلکه در دوران وفات و ارتحالشان نیز جاری است.

از مظاهر مودت و دلدادگی به حضرات معصومین (علیهم السلام) این است که انسان از دور یا نزدیک به زیارت قبر شریف آن عزیزان الهی بشتابد؛ کنار مرقدشان عرض ادب کند و نسبت به آن ذوات مقدسه و مظاهر رحمت واسعه ی الهیه ادای تعظیم و احترام بنماید.

البته جالب ترین و پرالهام ترین عرض ادب و ابراز مودت، خواندن همان زیارت نامه هایی است که درکتاب ها ثبت و ضبط شده است و بوی وحی می دهد و چون ازآثار الهامات غیبیه است به دور ازگزاف گویی واغراق سرایی است.

به یقین کسانی که به عزم زیارت اولیای خدا حرکت می کنند

۱- سوره شوری، آیه۲۳.

به ویژه اگر از مسافت های طولانی و راه های دور، قصد زیارت هر کدام از امامان بزرگوار کنند، در کنار قبر منور آنان فرود آمده، با اولیای بزرگ خدا راز دل بگویند، زیارت نامه ها را ترنّم کرده و در حال مخصوصی که برایشان دست می دهد زمزمه کنند، به آیه «مودّت» عمل کرده اند و الطاف عمیم الهی، پیامبر و خاندان پاکش شامل حالشان خواهد گردید.

زیارت امامان یا وفاداری به پیمان امامت

یکی از نقش های سازنده و پر ارزش زیارت، وفاداری انسان به عهد و پیمان ولایت و امامت است.

پیشوای هشتم شیعه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می فرماید:

ان لکل امام عهداً فی عُنُقِ اولیائه و شیعته و ان من تمام الوفاء بالعهد و حسن الاداء زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیه کان ائمتهم شفعاؤه یوم القیامه(۱)

برای هر امامی عهد و پیمانی برگردن دوستان و شیعیان اوست و به یقین از تمام وفای به آن عهد و پیمان، و نیکو ادا کردن آن، زیارت قبور آنان است؛ پس کسی که از روی رغبت و شوق و علاقه مندی و برای تصدیق آن چه را که در آن رغبت دارد آنان را زیارت کند، امامان اوشفیعانش در روز قیامت، خواهند شد.

بنابراین کسی که قبر مطهر امامی از امامان را زیارت کند عهد و پیمان دوستی با آن امام را به خوبی وفا کرده، مراتب صفا و صمیمیت خود را با آن بزرگوار ابراز داشته و رسالت خود را نسبت به آن حجت الهی به منزل رسانیده است و امامان بزرگوار در روز قیامت به شفاعت او بر می خیزند؛ از مشکلات و گردنه های صعب العبور روز رستاخیز نجاتش خواهند داد؛ برای رهایی او از آتش دوزخ و عذاب الهی وساطت نموده و زبان به شفاعت وی خواهند گشود. این همه سعادت و برکت و خیر همه از آثار و نتایج زیارت قبر امامان معصوم (علیهم السلام) است.

۱- کامل الزیارات ابنقولویه (مکتبه الصدوق)، ص ۱۳۱، عیون اخبار الرضا A، ج ۲، ص ۲۶۱.

زیارت یا اقتدا به معصومین پاک

زیـارت امامـان معصوم (علیهم السـلام) و حجت هـای الهی و رفتن به سوی قبر آن عزیزان و مقربـان دربـار الهی نوعی اقتـدا و پیروی از خـود آن بزرگـواران و آن انوار بـاهره ی الهی است؛ زیرا در حالاـت آنـان مکرراً نقـل شـده که به این عمـل عنـایت داشتند و زیارت قبر معصومی از معصومان و امامی از امامان را انجام می دادندکه به نمونه هایی اشاره می کنیم.

۱. در حالات حضـرت صـدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیهاالسـلام) نقل شده که در رثای پدر بزرگوار و عالیقدر خود، حضـرت خاتم الانبیاء صلوات الله و سلامه علیه می خواندند:

اذا ضاق صدری زُرت قبرک باکیاً

انوح و ابکی لا اراک مجاوبی

فیا ساکن الغبراء علمتنی البکاء

و ذکرک انسانی جمیع المصائب(۱)

هنگـامی که سـینه ام به تنگ می آیـد با گریه و زاری به زیارت قبر تو می شـتابم، نوحه سـرایی می کنم و می گریم ولی تو را نمی بینم که جوابم را بـدهی. پس ای که در دل خـاک منزل گرفته و آرمیـده ای، تو گریه را به من آموخته ای و یـاد تو همه مصایب را از یادم برده است.

از ظاهر عباراتِ این مرثیه جانسوز اسـتفاده می شود که بانوی اسـلام آن را در کنار قبر پـدر بزرگوار خود رسول الله (صـلی الله علیه و آله و سلم) انشاء کرده و می خوانده اند.

۱- بیت الاحزان، محدث قمی،ص ۱۴۰.

۲. در حالات حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمده که:

ان الحسین بن علی کان یزور قبر الحسن بن علی (علیه السلام) کل جمعه(۱)

امام حسین (علیه السلام) عصر هر جمعه قبر برادرش امام حسن (علیه السلام) را زیارت می کرد.

۳ و۴. حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) و حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) ازمدینه به عراق آمده و قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) و حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده اند.

سید جلیل سید عبدالکریم بن طاووس حسنی، متوفای سال ۶۹۳ هجری، از جابر جعفی از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: «پدرم علی بن الحسین (علیه السلام) بعد از جریان قتل پدرش حسین بن علی خیمه ای از مو در بادیه و بیابان مدینه گرفته بود وسالیانی درآنجا به سر می برد و دوست نداشت که با مردم معاشرت داشته باشد. گاهی از همان اقامتگاهش در بادیه به عراق می رفت تا پدر و جد خود را زیارت کند.»

حضرت باقر (علیه السلام) می گویند: «وقتی آن حضرت برای زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عراق می رفت من هم با او بودم و صاحب روح دیگری جز دو شتر ما با ما نبود. هنگامی که از بلاد کوفه به نجف رسید و در مکان مخصوص «کنار قبر شریف» جا گرفت شروع به گریه کرد به طوری که محاسنش از اشک چشمانش تر شد. آن گاه گفت:

السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته السلام علیک یا امین الله فی ارضه و حجته علی عباده...

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۳۱۷.

آن گاه گونه خود را بر قبر نهاد و گفت:

اللهم ان قلوب المخبتین الیک والهه و سبل الراغبین الیک شارعه....»(۱)

جابر می گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: «هیچ کس از شیعیان ما نزد قبر امیر المؤمنین (علیه السلام) یا نزد قبر امام دیگری این کلام را نمی گوید و این دعا را نمی خواند جز این که دعای او از نردبان هایی از نور بالا برده می شود و به مُهر و خاتم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مُهر زده می شود و همچنان سالم و محفوظ است تا به قائم آل محمد (علیه السلام) تسلیم گردد و این عمل با بشارت، تحیت و کرامت، صاحبش را ملاقات خواهد کرد.»(۲)

۵. ابن قولویه نقل کرده که اسحاق بن جریر گفته امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «آن دورانی که در حیره نزد ابوالعباس بودم هنگام شب نزد قبر امیر المؤمنین (علیه السلام) که در ناحیه نجف و متمایل به جانب غری نعمان بود می رفتم؛ نماز شب را در آن جا به جا می آوردم و پیش از این که فجر، طالع شود از آن جا برمی گشتم.»(۳)

آری! امام صادق (علیه السلام) در زمانی که قبر حضرت امیر المؤمنین مخفی بود و زیارت آن آزاد نبود بلکه خطر جدی هم ایشان را تهدید می کرد زیارت آن قبر شریف را ترک نمی کردند.

ابن قولویه قمی رضوان الله علیه از محمد بن مسعود نقل می کند: امام صادق (علیه السلام) را دیدم که آمدند تا به قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند و پس دست خود را بر روی قبر پیامبر نهاد و فرمود:

اسأل الله الذی اجتباک و اختارک و هداک و هدی بک ان یصلی علیک

۱- این زیارت همان زیارت امین‌الله و دعای بعد از آن است.

۲- فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ص ۷۲ الی ۷۵.

۳- کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ص ۳۴.

از خداوندی که تو را برگزید و انتخاب نموده و هدایت فرمود و امّت را به وسیله ی تو هدایت کرد درخواست می کنم که بر تو درود بفرستد.

سپس فرمود:

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً(۱) و (۲)

به تحقیق خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و سلام و تسلیم کامل خود را به او تقدیم بدارید.

۱- سوره احزاب، آیه۵۶

۲- کامل الزیارات، مکتبه الصدوق،ص۳۱.

زیارت، عامل آشنایی بیشتر و عمیق تر با امامان

یکی از آثار حسنه و از جمله برکات برجسته ی زیارت خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) آشنایی بیشتر با صاحبان آن قبور منوّر و مدفونین در آن بقعه های مطهر است. انسان زایر هر چند شناختی اجمالی از آن ذوات مقدسه و انوار الهی و آسمانی دارد ولی نوعاً با انجام مراسم زیارت و ورود در آن روضه های مبارك شناخت تازه ای پیدا می کند؛ خصوصاً اگر زیارت نامه های مخصوص و مأثور را قرائت کند جایگاه اصلی و مقام رفیع و شایسته و شأن والای آنان را پیدا خواهد کرد و اگر آن عبارات عالیه و جملات دلنشین و روح افزا را با توجه و تدبّر بخواند شناختی پیدا می کند که هرگز دل از آنان بر نمی کند و به هیاهوها، زرق و برق ها و ادعاهای آمیخته به گزاف گویی و دروغ دیگران توجه نخواهد کرد؛ زیرا قسمت عمده و اهرم اصلی دور افتادن گروهی از مردم از علی و آل علی صلوات الله علیهم اجمعین همین عدم شناخت صحیح از آن عزیزان خداست و گرنه چه کسی و کدام عاقل خردمندی می تواند از آنان جدا شود؟

تو به تاریکی علی را دیده ای   زین سبب غیری بر او بگزیده ای

آری! هر بار که انسان موفق به زیارت این حجت های باهره ی الهی می شود گامی به سوی معرفت مقام والای آنان فراتر می گذارد. روضه منور هر کدام با حال و هوای مخصوص خود، اثری مخصوص در انسان دارد. صحن ها و رواق های هر کدام از آن ها تأثیری بسزا دارد و حتی مدفن پاك آن امامان محبوب و عزیزی

که دارای بقعه، بارگاه، صحن و سرا نیستند در شرایط خاصی که دارند یادآور نکات و مطالب بیشماری هستند و در عین همان سکون و بی سکوت بهت انگیزی که به وسیله ی دشمنان دین و متعصبان معاند و از خدا بی خبر به وجود آمده صدها و هزارها حکایت را یادآوری می کنند.

دیدن زوار مختلف از صغیر و کبیر، دختر و پسر،پیر و جوان، زن و مرد، داخلی و خارجی هر کدام با آداب و سنن و فرهنگ مخصوصی که دارند و حال ابتهال و تضرع آنان و اظهار علاقه مندی آنان به انوار طیبه و تابناک آسمانی، هر کدام یک ورق تازه ی و صحنه جدیدی است که برای انسان جلو می آید و عرفان و بینش تازه ای نسبت به رتبه منیع و شأن رفیع آنان برای انسان پیدا می شود.

آری! حالات زایران، رفت و آمد، تضرّع و زاری آنان، توسل و دلدادگی آن ها و دشواری هایی که در اثناء راه و حتّی در خود محل زیارت، برای زیارت قبر امام معصوم خود مشاهده می کنند و با آن مواجه می گردند با این حال تحمل می کنند و شادمان اند که مضجع یکی از اولیا و عزیزان خدا را زیارت کرده اند همه مبیّن مقام بس ارجمند آنان است و هر ناظری را توجه می دهد که خاندان پیامبر، در اعماق جان مردم پاکدل جا دارند و خود به زودی به این نکته می رسد که آنان زبدگان بشریت، عصاره ی انسانیت و مورد انتخاب پروردگار بزرگ می باشند و خود به خود این مضمون به زبان می آید:

با چنین حُسن و ملاحت اگر ایشان بشرند

ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند

زیارت امامان و آشنایی با مکتب

یکی از برکات مهم و بازدهی های قابل توجه زیارت ها و حضور در کنار قبور طیّبه پیامبر بزرگوار و خانـدان پاک او و امامان معصوم این است که در خلال این سفرها، زیارت ها و قرائت زیارت نامه ها آشنایی بیشتری با مکتب برای انسان پیدا می شود. زیارت نامه های پیامبر و امامان بزرگوار مشحون از مطالب عالی و مفاهیم فخیم و فاخری است که شمیم وحی و الهام الهی از آن کاملاً به مشام جان اهل دل می رسـد. بهترین معارف زنده و جاوید در مطاوی این زیارت ها به کار برده شده و اگر انسان بـا توجه و تـدبر در معـانی و مفاهیم، این جملات نورانی را قرائت کنـد دریچه های معنویات به روی او باز می شود؛ به اسـرار عالم غیب آشـنا خواهد گردید و نکات و دقایقی را از آن دریافت می کند که از آن لذت می برد و احساس نشاط و شادمانی می نماید و همه ی وجودش از درک آن مطالب و فهم آن معانی بلند و بزرگ، مبتهج و مسرور خواهد گردید.

و چنان می شود که نزدیک است فریاد شادمانی برآورد و خروش نشاطمندی سر دهد.

آری! منابع پربار و غنا بخش معنوی و معارف الهی در چهار کلمه خلاصه می شود:

یکی قرآن کریم که اصیل ترین منبع معارف آسمانی است.

و دیگر، دعاها که به شکلی جدّی نقش موثری را در این مسیر ایفا می کنند.

سومین منبع، حدیث است که شامل نهج البلاغه نیز می شود.

و چهارمین منبع، زیارت هاست که راستی یک منبع پرتوان، کاربردی، نافذ و موثر است.

این زیارت ها به صورتی مخفی و ناپیدا روح توحید خالص و یگانه پرستی کامل را در جان انسان می دمد؛ او را با شأن رفیع و پایگاه والای انبیا و پیامبران آشنا می سازد؛ امامان معصوم و خاندان جلیل رسول الله را به ما معرفی می کند؛ درس دوستی با رجال الهی و مردان خدا و نیز مخالفت و ناسازگاری با طاغوت ها و ستمگران از خدا بی خبر را به ما می دهد؛ صفّ حق را از صفّ باطل، ممتاز و جدا می سازد؛ انسان را با عدالت، حق گویی و حق محوری می پروراند؛ از او عنصری ضد ظلم، اجحاف گری و در ستیز با بدی، ناپاکی، فساد و قساوت می سازد. زیارت، روح انسان را تلطیف می کند و از سویی آن را مقاوم و با صلابت و نیرویی باطل شکن و کفر ستیز می نماید؛ صفات عالیه ی انسان ها و مکرمت های اخلاقی را در جان انسان می دمد و ریشه های رذایل اخلاقی، بدی ها و ناپاکی ها را از آن بیرون می کشد.

زیارت، صفحه قلب و روح زایر را از آلودگی های صفات بد، پاک می سازد.

برای نیل به این آثار و برکات، لازم است نکته ای را به خوبی مراعات کرد و آن توجه به معانی و مفاهیم این زیارت هاست و این که انسان بنگرد که در جو عطرآگین روحانیت و معنویت قرار گرفته و باید از آن حداکثر استفاده را بنماید تا مؤدب به آداب اسلامی گردد.

اینک، نمونه ای از آن معارف عالیه و مکارم اخلاقی و عرفان و توجه به خداوند که در زیارت شریف «امین الله» به کار رفته

ص: ۵۳

است:

اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ راضِیَةً بِقَضائِکَ مُولِعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعائِکَ مُحِبَّةً لِصَفْوَهِ اَوْلِیائِکَ مَحْبُوبَةً فی اَرْضِکَ وَ سَمائِکَ صابِرَةً عَلی نُزُولِ بَلائِکَ شاکِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةً لِسَوابغِ آلائِکَ مُشْتاقَةً اِلی فَرْحَهِ لِقائِکَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوی لِیَوْمِ جَزائِکَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیائِکَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِکَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِکَ وَثَنائِکَ(۱)

خداوندا نفس مرا چنان قرار ده که به تقدیرات تو مطمئن، به قضای تو راضی و خشنود، به ذکر و دعای تو بسیار متمایل، دوستدار بهترین اولیای تو، محبوب در آسمان و زمین، بر نزول بلای تو صابر، نسبت به نعمت های گرامی تو شکرگزار، به یاد عنایات و الطاف بیکران تو، به شادمانی ملاقات تو مشتاق باشد؛ چنان کن که برای روز جزا زاد و توشه ی تقوا برگیرد و پیروی کننده ی روش های نیکوی اولیای تو باشد، از اخلاق اعدا و دشمنان تو به دور، از دنیا روی گردانیده و به حمد و ثنای تو مشغول باشد.

می نگرید که این جملات پرفروغ و نورانی، حاوی عالی ترین دقایق معرفتی و ظرافت های اخلاقی است؛ با ملاحظه، همین چند فقره مبارکه می توان حرکت الی الله را شروع کرد؛ سیر و سلوک واقعی را آغاز نمود و با سالکان حقیقی راه خداوند، همگام و هم پرواز شد. این فقرات دلنشین رموز مکرمت های اخلاقی را در انسان اشراب و تزریق می کند.

شگفتا که این فرازهای مختصر و کوتاه چه پربار و ارزنده اند،

۱- کامل الزیارات، ص۳۷.

چقدر می توانند در درون انسان، تحول ایجاد کنند؛ راه او را از مسـیر انحراف، بدی و کجروی عوض کنند و او را در جادّه ی حقیقی حق و صراط مستقیم الهی به حرکت در آورند.

ثواب زیارت هر یک از امامان علیهم السلام

ابن قولویه با سلسله سند خود نقل می کند که زید شحّام گفته است: «به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: برای کسی که یکی از شما (امامان) را زیارت کند چه چیزی [چه مقام و ثوابی] خواهد بود؟ حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: همانند کسی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت کرده باشد.»(۱)

آری! هر کدام از امامان بزرگوار به پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله اتصال دارند و همه آن ها اوصیای رسول خدا می باشند، از یک سو پاره های تن رسول الله هستند و از دیگر سو به اقتضای مقام معنوی و رتبه ی والای وصایت،ولایت وجانشینی آن حضرت،نماد ومظاهروجود آن بزرگوارند؛ جسم و جان آن ها برگرفته از جسم و جان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و بنابراین هر کس توفیق زیارت یکی از آنان را پیدا کند در حقیقت به زیارت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) دست یافته و پاداش زیارت آن حضرت برای او خواهد بود.

۱- کامل الزیارات، ص۱۶۳.

زیارت امام حسین علیه السلام

در میان زیارت های امامان، زیارت امام حسین (علیه السلام) جلوه ی خاص و آثار ویژه دارد و مورد ترغیب و تشویق مخصوص از ناحیه حضرات معصومین (علیهم السلام) واقع شده است.

محمد بن مسلم می گوید: «حضرت ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) فرمود:

مروا شیعتنا بزیاره قبرالحسین (علیه السلام) فان اتیانه یزید فی الرزق ویمدّ فی العمر و یدفع مدافع السوء و اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقر للحسین بالامامه من الله عزوجل(۱)

شیعیان ما را امر کنید به زیارت قبر حسین (علیه السلام) بروند؛ زیرا حرکت به سوی قبر حسین (علیه السلام) روزی را افزایش می دهد و عمر انسان را طولانی می کند و جریان های نگران کننده و حوادث بد را برطرف می سازد و زیارتِ قبر آن حضرت بر هر مؤمنی که به امامت حسین (علیه السلام) اقرار دارد، لازم است.

بنگرید که امام باقر (علیه السلام) در این حدیث شریف نخست دستور می دهند که شیعیان ما را به زیارت امام حسین (علیه السلام) امر کنید و وادار نمایید.

ایشان واژه ی «شیعیان ما» را به کار برده اند که خود مُشعر بر آن است که زیارت امام حسین (علیه السلام) یک وظیفه و شاخصه و خود برنامه ای لازم برای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت است و در پایان حدیث، زیارت آن حضرت را یک فریضه و عمل لازم برای معتقدان به امامت امام حسین (علیه السلام) قلمداد کرده اند.

۱- کامل الزیارات، ص۱۶۳.

امـام (علیه السـلام) در بخش میـانی کلاـم مبـارک خود، آثار و برکات زیارت آن حضـرت را ذکر کرده انـد؛ از جمله این که مـوجب فزونی رزق اسـت؛ عمر انسـان را زیـاد می کنـد و دیگر آن کـه جریانـات خطرنـاک، وحشت بـار و آزار دهنـده را از زندگی انسان دور می سازد و چه بسا که این جریانات و امور خطرناک و آزاردهنده اعم از جریانات دنیا و آخرت باشد.

زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

هر چند که زیارت هر یک از ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین از بهترین اعمال به شمار می رود؛ دارای اجر و پاداش فراوان بوده و منشأ خیرات و برکات بی شمار می باشد و هر کدام دارای تأثیرات خاص در جان انسان است و ارتعاشات مخصوص و ویژه ای در نهاد آدمی ایجاد می کند ولی در این میان زیارت حضرت ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به مقتضای روایات، از ویژگی های بسیاری برخوردار است؛ آثار و ثمرات فراوانی در دنیا و نیز در آخرت بر آن مترتّب خواهد شد و دارای اجر و پاداش بسیار عظیم و بالایی در جهان ابدی می باشد.

یحیی بن سلیمان مازنی نقل می کند که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در ضمن حدیثی فرمودند:

من زار قبر ولدی علی و بات عنده لیله کان کمن زار الله فی عرشه

کسی که قبر فرزندم علی [حضرت رضا (علیه السلام)] را زیارت کند و شبی را در نزد او بماند مانند کسی است که خدای را در عرش وی زیارت کرده باشد.

یحیی بن سلیمان می گوید: «گفتم: مانند کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده باشد؟!» فرمود: «آری هنگامی که روز قیامت شد چهار نفر از اولین و چهار نفر از آخرین بر عرش خدای رحمان خواهند بود.

اما چهار نفری که از اولی اند نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (علیهم السلام) هستند.

و اما چهار نفری که از آخری انـد محمـد، علی، حسن و حسـین (علیهم السـلام) می باشـند. آن گاه مائده ی طعام گسترده می شود و می نشینیم وزوار قبور ائمه با ما می باشند.

اِلّا اَنّ اعلاهم درجه و اقربهم حَبْوه زوّار قبر ولدی (علیه السلام)(۱)

جز این که بلندترین آنان در درجه و نزدیک ترین آنان از جهت بخشش و عطا زایران قبر فرزندم [حضرت رضا (علیه السلام)] می باشند.»

صدر و ذیل این روایت شریفه بسیار جالب است. اما صدر آن که به طور صریح، زیارت قبر حضرت رضا (علیه السلام) و یک شب بیتوته کردن در آن مکان مقدس را همانند زیارت خداوند در عرش اعلی قلمداد می کند.

و امـا ذیـل روایت این که: همه ی زوّار قبور امامان معصوم (علیهم السـلام) کنار مائـده ی لطف و احسان الهی نزد ائمه (علیهم السـلام) حضور خواهند داشت ولی زایران قبر حضـرت رضا (علیه السلام) در اعلی درجه و بالاترین مرتبه نسبت به سایر زایران هستند و به عطایا و الطاف بزرگ الهی از همه نزدیک تر می باشند.

و چه جالب است که هم در جمله صدر و هم در فقره ذیل، حضـرت موسی بن جعفر از زایران امام رضا (علیه السلام) با عنوان «زایران قبر فرزند من» یاد می کنند.

این حدیث شـریف را مشایخ سه گانه و رؤسای شـیعه: مرحوم شیخ کلینی در کافی، شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در امالی و نیز در عیون الاخبار نقل کرده اند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۳۴۳.

بخش سوم: عنایات و کرامات حضرت رضا علیه السلام

برکات زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) منحصر به عالم آخرت و اجر و ثواب های بی شمار آن نیست بلکه زیارت ایشان و عرض حاجت در آن روضه ی با صفا و کنار قبر مطهر آن سرور اخیار برای اصلاح امور زندگی انسان نیز بسیار مؤثر است. در پرتو زیارت و شفاعت خواهی از آن بزرگوار، امور حیات انسان نیز سر و سامان می یابد و مشکلات و شداید وی برطرف خواهد شد.

و این از اموری است که علاوه بر روایات، به تجربه افراد بی شماری ثابت و محقق شده و معجزات و خوارق عادات بسیاری در هر سال و ماه و هفته بلکه در هر شبانه روز کانون لطف و صفا و از آن مظهر رحمت واسعه ی الهی ظاهر می شود و کرامات فراوان از آن قبر شریف بروز می کند؛ چه مشکلات بزرگی که به برکت زیارت حضرت رضا (علیه السلام) و توسل به قبر منور و مطهّر آن بزرگوار حل شده و چه گره های کوری که در مقاطع مختلف زندگی برای افرادی پدیده آمده و در سایه زیارت و توجه به آستان مقدس آن ولیِّ اعظم خدا باز شده است و چه حوایجی که به برکت توسل به حضرت رضا (علیه السلام) به زودی برآورده گردیده و صاحب حاجت به مراد و مقصد خود به خوبی نایل شده است؛ ما در این مقام به ذکر چند مورد از موارد بی شمار آن اکتفا می کنیم:

۱. آقای حاج حبیب الله رجبیان که از اخیار و صلحای قم می باشند برای این جانب نقل کردند: «مرحوم حاج میرزا محمد علی صالحی که از جهت دیانت در قم کم نظیر بود در کارخانه ریسباف قم که اکنون محل صدا و سیمای قم است کارگر بود

و کار می کرد.

حدود هفتاد سال پیش زمانی که در سنین چهارده پانزده سالگی با پدر و مادرم عازم مشهد بودیم هنگام حرکت، آقای صالحی برای بدرقه ی ما نزدیک ماشین آمد. هنگام حرکت، او پاکتی به من داد و گفت: «وقتی به مشهد رسیدی و به حرم مشرّف شدی این نامه را در ضریح مقدس بینداز که حضرت خودشان جواب می دهند.»

من هم این کارها را کردم: یعنی روز یکشنبه وارد مشهد شدیم. یکی ساعت به غروب همان روز به حرم مشرف شدم و چون در آن زمان ازدحام به حد کنونی نبود به ضریح مقدس، نزدیک شده، عرض سلام نمودم و آن نامه را که از محتوایش هیچ گونه اطلاعی نداشتم داخل ضریح انداختم و عرض کردم: «یا امام رضا (علیه السلام)! خودتان جواب آن را بدهید.»

سفر ما حدوداً یک ماه طول کشید. وقتی به قم آمدیم آقای حاج محمد علی صالحی به دیدن ما آمدند و گفتند: «نامه را در ضریح انداختی؟» گفتم: «آری!» و جریان را برایش تعریف کردم.

آقای صالحی گفت: «به خود امام رضا (علیه السلام) قسم، من در همان روز یکشنبه، یک ساعت به غروب جواب حضرت را گرفتم!»

از آقای صالحی علت نوشتن این نامه را پرسیدم و معلوم شد برای شغل و تغییر فضای کارش بوده است؛ زیرا او بیماری ریوی داشت و در آن کارخانه یا دستگاهی کار می کرد که مرتباً گرد و غبار مواد به سینه اش می رسید و بیماری اش را تشدید می کرد. وی از این موضوع، رنج می برد ولی چون رئیس کارخانه، به نام آقای نوروزی، مدیری بسیار مسلط بود هیچ کس قدرت بگو مگو

با او نداشت؛ حتی کارگران نمی توانستند از مشکلات کار سخنی بگویند و گرنه فوراً آن ها را اخراج می کرد. ایشان هم از ترس اخراج، از مشکل خود، سخنی به میان نمی آورد.

نهایتاً او به حضرت رضا (علیه السلام) نامه نوشته و تقاضا کرده بوده تا به بخش دیگری منتقل شود.

او به من گفت: «من همان یک ساعت به غروب روز یکشنبه از سالن بیرون آمدم اتفاقاً آقای نوروزی در کنار باغچه، سوت زنان، قدم می زد معلوم بود سر حال است. سلام کردم و گفت: «با تو کار دارم.» او مرا صدا کرد جلو رفتم. او گفت: «می خواهی کارت را عوض کنم؟» گفتم: «من از دیرزمان این آرزو را داشتم و می خواستم تقاضا بکنم اما از ترس این که مبادا شما قبول نکنید چیزی نگفتم و گرنه کار در این قسمت برایم مضر است.» او گفت: «از فردا صبح اطاق کنار دفتر را در اختیار بگیر و کوپن های نان و کارگران و نانخورشان را با قید حضور و غیاب، به حضور یافتگان بده.» چون سال جنگ بود و متفقین در ایران بودند حالت قحطی دست داده، وضع نان بد شده بود و به سختی می شد نانی به دست آورد لذا رئیس این کارخانه، محلی برای پخت نان در آن جا تشکیل داده و مهر و کوپن چاپ کرده بود تا کارگران خود را از آن مشکل برهاند در هر حال، او گفت: این اطاق، دفتر تو باشد و در روز هر کس حضور داشت به تعداد نفرات خانواده اش به او کوپن بده و هر کس هم که غایب بود هیچ و این کار را در چند ساعت صبح انجام بده و بعد هم یکسره راحت به هر جا می خواهی برو.

آقای صالحی گفت: من از خوشحالی سراز پا نمی شناختم

و لذا دست او را هم بوسیدم و بعدها هم مأمور خرید کارخانه شدم.»

سبحان الله! همان روزی که نامه ایشان به وسیله ی یک نوجوان در ضریح مطهر می افتد همان ساعت در قم تصرفی در قلب این رئیس می شود و همان ساعت حاجت و درخواست آقای صالحی متحقق می گردد!

۲. یکی از دوستان محترم که از معتقدات خوبی برخوردار است و عملاً ـ نیز متعهد و پای بند به احکام دینی است. داستان بیماری و شفا یافتن خود را به برکت حضرت رضا (علیه السلام) چنین بیان می کرد: «دچار کسالت شده بودم و تارهای صوتی ام اختلال پیدا کرده و سخن گفتن برایم مشکل شده بود به دکتر، مراجعه کردم؛ گفتند باید عمل شود. در شیراز به بیمارستان رفتم و آماده عمل شدم. لباس اتاق عمل را پوشیدم. مرا به اتاق عمل بردند. ناگهان پشیمان شدم و گفتم باید به مشهد بروم و به حضرت رضا (علیه السلام) متوسل شوم. بالاخره از اتاق عمل بیرون آمدم. به مشهد مقدس مشرف شدم و در جلو بارگاه منور حضرت بسیار گریه کردم و شفای خود را خواستم. ناگهان کسی رسید و کارت غذای حرم را به من داد. من به مهمانسرا رفته و از غذای حضرت استفاده کردم. در همین سفر حالم به کلی عوض شد و صحبت کردنم به صورت عادی برگشت.

۳. عالمی بزرگوار که طی آشنایی ده ها ساله او را در مرتبه بالایی از علم و تقوا می شناسم از دوست عزیز و هم بحث دوران جوانی خود، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای سید حسن میردامادی، از فضلای مشهد مقدس، نقل می کردند که ایشان

فرموده بودند:

«شخصی به دنبال شغل تاکسیرانی بوده و مدت نسبتاً زیادی برای گرفتن گواهینامه ی رانندگی معطل می ماند اما موفق به اخذ گواهینامه نمی گردد. بعد از مدتی به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) متوسل می شود و اصلاح این امر را از آن حضرت می خواهد. در عالم رؤیا به حضور مبارک حضرت رضا (علیه السلام) مشرف می شود. امام به او می فرماید: «برو به امینی افسری که نسبتاً صالح و خوب بوده است بگو: به این نشانی که دیشب برای زیارت آمدی و چون عجله داشتی زیارت امین الله را نخواندی حضرت رضا فرمودند که گواهینامه ی مرا بدهی و رانندگی مرا تصدیق کنی.»

آن شخص از خواب بیدار می شود؛ به سراغ امینی می رود و سفارش امام (علیه السلام) را به او می رساند. وی سخت متعجب می شود و تصدیق می کند که آری دیشب برای زیارت مشرف شدم ولی زیارت امین الله را نخواندم. به دنبال این رؤیای صادقه و این نشانی صحیح و حقیقت دار، و عنایت رضویّه گواهینامه ی او را می دهد.»

۴. همان عالم جلیل القدر و صادق القول می گفتند: «چندین سال قبل در سفر مشهد یکی از صبیه هایم بلوزی را خریداری کرده بود و به من پیشنهاد کرد که برای مادرشان خانواده ام از آن نوع بلوز خریداری کنم. گفتم: الآن چنین وجهی ندارم و برایم میسر نیست. فردا یا همان ایام یکی از آقایان فضلای مشهد که از دوستان سابق من در قم بود به من رسید؛ مبلغی را داد و گفت این مربوط به تهیه سوغات سفر مشهد برای نزدیکان است. ما

با آن وجه از آن بلوز مخصوص برای خانواده و نیز برای سایر صبیه ها خریداری کردیم.»

آری! لطف و عنایت خاندان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خصوصاً حضرت رضا (علیه السلام) آن چنان گسترده و وسیع است که گاهی حتی بدون درخواست هم عطا می کنند و همین که انسان بر آن بزرگوار وارد شده و به عنوان زیارت آمده و اکنون نوعی نیازمندی دارد بس است تا لطف و رأفت آن حضرت به سوی او منعطف گردد؛ گره از کارش گشوده شود وحاجتش به اذن الله روا گردد.

۵. جوانی از اهل علم، فضل و تبلیغ از اهل مشهد برای اصلاح امر ازدواجش به حرم مقدس حضرت رضا (علیه السلام) روی آورده، در مکانی نزدیک به روضه ی منور و قبر شریف آن بزرگوار نشسته و مشغول توسل به آن امام همام می شود و از حضرت رضا (علیه السلام) می خواهد که موردی مناسب و شایسته برای همسری او مقدر شود. مطلب او بین خود و خدا و حضرت رضا (علیه السلام) صورت می گیرد.

اتفاقاً شخص محترمی در کنار وی مشغول عبادت و توسل بوده و آن طلبه ی فاضل محترم را می بیند و بدون هیچ سابقه و آشنایی قبلی به آن جوان می گوید: «شما نمی خواهید ازدواج کنید؟ اگر تصمیم دارید، من دختری دارم و می توانید با ایشان وصلت کنید.»

آری! همان جلسه توسل به امام هشتم وحضور درکنار قبرآن بزرگوار اثر خود را به جا گذاشت؛ طلبه ی جوان را به خواسته اش رسانید وامر ازدواج اواصلاح و رو به راه گردید.(۱)

۱- طلبه مذکور با صبیه آن مردمحترم وپرهیزگار که این جانب سالیان سالاو را به صلاح و پاکی می شناسم ازدواج کرد و اینکصمیمیت، وفا و احترام متقابل بر زندگی آنها حاکم است.

بخش چهارم: آداب و شرایط زایر و زیارت

اشاره

آداب زیارت

زیـارت امامـان بزرگـوار و معصومین پـاک (علیهم السـلام)، حضور در محضـر ولی الله الاـعظم و حجت بـالغه ی الهی است و برقرار کردن راه و رابطه با یک شخصیت الهی و انسان آسمانی و مخاطبه با اوست. از بُعد دیگر زیارت امام (علیه السلام) یک عبادت الهی است و جنبه ی بنـدگی خـدا را دارد و انسان زایر، با ذات اقـدس الهی راه و رابطه برقرار می کند و از این رو باید زیارت با آداب مخصوص انجام شود و این آداب در کمال و تعالیِ زیارت انسان اثر به سـزا دارد. زیارت بدون آداب و احوال مخصوص، اثر چشـمگیر و مهمی نـدارد و عمـل انسان و زیارت او بی روح و فاقـد ارزش و اعتبار است و یا ارزش آن ناقص و ناچیز است.

بر همین اساس، بعضـی از علمای اعلام و فقهای عالیقـدر در کتاب های فقهی خود بابی را بعد از کتاب حج و بیان اعمال حج و عمره تحت عنـوان زیـارت، منعقـد کرده و راجع به آداب زیـارت نیز سـخن گفته انـد و نیز علمـای اخلاـق، این مطلب را در کتاب های اخلاقی خود یادآور شده و مورد سخن و بحث قرار داده اند.

همچنین علمایی که تألیفاتی در دعا و زیارت دارنـد این موضوع را در کتاب خود متذکر شده اند؛ چنان که محدث بزرگوار و عالم عالیقدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله علیه در مفاتیح الجنان، این بحث را به نحوی دنبال کرده است.

مرحوم شـهید اول شـیخ شـمس الـدین محمـد بن مکی عاملی رضوان الله علیه که از فقهای مشـهور به نام امامیه است درکتاب شریف دروس، ضمن درس ۱۲۸ این بحث را عنوان کرده و

فرموده است:

«برای زیارت آدابی است.»

آن گاه چهارده مطلب را به عنوان آداب زیارت به صورت اختصار ذکر فرموده است و ما هر کدام را طبق ترتیب مذکور یادآور می شویم و آن را به اقتضای موضوع پی می گیریم:

۱. احدها الغسل قبل دخول المشهد و الکون علی طهاره فلو احدث اعاد الغسل قاله المفید و اتیانه بخضوعِ و خشوع فی ثیاب طاهره نظیفه جدیده

نخستین مطلب از آداب زیارت این است که زایر پیش از ورودِ در روضه ی منوره، غسل کند و هنگام ورود در حالت طهارت باشد و شیخ مفید فرموده است اگر بعد از غسل محدث شد غسل را اعاده کند و غسل را با خضوع و خشوع به جا آورد و بعد هم جامه های طاهر و نظیف بپوشد.

آری! ورود در حرم مطهر و مزار شریف امام معصوم و حجت الهی (علیه السلام) ایجاب می کند که انسان اولاً غسل کند تا بدن او پاک و پاکیزه باشد و نیز لباس تمیز و نظیف بپوشد تا هنگام ورود در روضه ی منوره و حرم شریف امام (علیه السلام) همه وجودش سرشار از پاکی و نظافت باشد: بدن پاک، لباس نظیف و طهارت معنوی که به برکت غسل برای او ایجاد شده است.

در مراسم ملاقات های ظاهری و رفتن به دیدن افرادی که از موقعیت خاص معنوی، علمی، سیاسی و اجتماعی برخوردارند خود را پاک و پاکیزه می کنیم. بدن خویش را شستشو می دهیم و جامه ی نو یا نظیف به تن می کنیم.

اکنون بنگریم که کدام شخصیت به پایه ی حجت خداوند و

ولی دوران امام معصوم مانند حضرت علی (علیه السلام) یا امام حسین (علیه السلام) و یا حضرت رضا (علیه السلام) می رسد.

بنابراین باید انسان زایر بکوشد تا تشرف به روضه ی منوره آن عزیزان خدا و محبوبان دربار کبریا را با طهارت و نظافت در بدن و لباس مقرون کند و عملاً زیارت آن بزرگواران را کمتر از حضور در یک مهمانی مهم و یک جلسه ضیافت یا رفتن به ملاقات یک شخصیت و دیدار فردی قدرتمند و نافذ الکلمه به حساب نیاورد.

کسی که با چنین حالت و هیئتی یعنی با بدن و جامه ی پاک و تمیز و با طهارت، وارد حرم مطهر گردد احساس می کند که یک زیارت شایسته انجام می دهد و حفظ کرامت، علو مقام، رفعت شأن حرم و صاحب حرم را نموده است. به طور طبیعی این حالت در کیفیت زیارت او هم اثر مثبت و مطلوب دارد. و حتی امید انسان را به قبولی زیارتش افزایش می دهد.

۲. ثانیها الوقوف علی بابه و الدعاء و الاستیذان بالمأثور فان وجد خشوعاً و رقه دخل و الا فالافضل له تحری زمان الرقّه لان الغرض الاهمّ حضور القلب لتلقی الرحمه النازله من الرب فاذا دخل قدم رجله الیمنی و اذا خرج فبالیسری

دومین نکته از آداب زیارت، این است که بر درِ روضه منوره لحظاتی بایستد و دعا بخواند و با همان عبارات و فقراتی که در کتب مربوطه وارد شده اذن دخول بخواهد و آن گاه اگر حالت خشوع و رقتی در خود دید، داخل شود و اگر چنین حالتی را در خود احساس نکرد بهتر است که صبر کند و به دنبال زمانی باشد که خشوع و رقت را در خود ببیند و با آن حال وارد شود؛ زیرا

هـدف مهم تر حضـور قلب آدمی برای گرفتن رحمـتی است که از نـاحیه ذات اقـدس الهی نـازل می شـود؛ آن گـاه به هنگـام ورود، پای راست را جلو بگذارد همان گونه که در وقت بازگشت از حرم مطهر، پای چپ را مقدم بردارد.

آری! ورود بی سابقه و بـدون آمادگی روحی برای انسان شایسـته نیست بلکه باید مقداری پیش از ورود، بایسـتد و اسـتعداد و آمـادگی را در خـود ایجـاد کنـد و بـا خضـوع همه اعضـا و جـوارح و خشـوع کامـل قلب، وارد روضه ی مبـارکه گردد. برای پیـدایش چنین حالتی می توان از دعا و نیایش و خواندن اذن دخول به نحوی که بزرگان ذکر کرده و دسـتور داده اند اسـتفاده کرد اگر این اذن دخول هـا را انسـان بـا توجه و غور در معـانی آن بخوانـد حال او دگرگون می شود و رقت قلب، نرمی دل و خشوع مطلوب و لازم در جان او پدید خواهد آمد.

و این حالت است که انسان را به هـدف نهایی می رساند؛ زیرا غرض کلی و مقصد و مقصود اصـلی، آمادگی دل و جان برای پذیرش و گرفتن افاضات ربانی و الطاف الهی است که در خلال این حالات حاصل خواهد شد.

۳. ثالثها الوقوف علی الضریح ملاصقاً له او غیر ملاصق و توهم ان البعد ادب و هم فقد نص علی الاتکاء علی الضریح و تقبیله

سومین ادب زایر این است که در کنار ضـریح مقدس بایستد، چه این که خود را بدان بچسباند یا نه؛ و اندیشه این که در نقطه دور دست قرار گرفتن ادب است وهم و خیـالی دور از واقعیت است؛ زیرا در اخبـار تصـریح شـده که زیارت کننـده بر ضـریح مقدس تکیه کرده و آن را ببوسد.

آری از آداب زیارت، ورود در حرم شریف و ایستادن در نزد ضریح مبارک است. چسبیدن به ضریح و تکان دادن، و یا آویزان شدن به آن، لزومی ندارد و معتبر نیست آن چه که مهم و قابل توجه است همان نزدیک گردیدن است. ممکن است توهم شود مقتضای ادب به آن امام عظیم الشأن و والامقام جای گرفتن در نقطه دور دستی از آن ضریح منور است(۱) ولی باید توجه داشت که چنین اندیشه ای، وهم و خیالی دور از حقیقت است؛ زیرا در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به تکیه کردن به آن موضع مقدس، تصریح شده است.(۲)

آری! این قبر و ضریح محبوب ترین محبوب های انسان است و خوابگاه عزیزترین عزیزان خدا و بندگان صالح پروردگار است؛ اگر آن بزرگواری که در این مرقد مطهر آرمیده برای زایر به ظاهر، مرئی بود و او را دیدار می نمود چه برخوردی داشت؟ آیا او را در آغوش جان نمی فشرد و سرتا پا و قدم های او را غرق در بوسه نمی کرد؟ اینک زایر در بقعه ای قرار گرفته که مهبط آن نور تابناک الهی است و حرم مطهر و ضریح مقدس برای زایران آن بزرگوار، بوی معطر همان محبوب الهی را می دهد.

۴. رابعها استقبال وجه المزور و استدبار القبله حال الزیاره ثم یضع علیه خده الایمن عند الفراغ من الزیاره ویدعو متضرعاً ثم یضع خده الایسر و یدعو سائلاً من الله تعالی بحقه و بحق صاحب القبر ان یجعله من اهل شفاعته و یبالغ فی الدعاء و الالحاح ثم

۱- این جانب شنیدم که شخصی درمقام تعریف و ستایش دیگری می گفت: «او به هنگام زیارت حضرترضا (علیه السلام) (ظاهراً) اصلاً وارد حرم نمی شد بلکه در رواق می ایستاد،سلام می کرد، زیارت می نمود و می رفتو به خود اجازه نمی داد که وارد حرم شود.»!!

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۲۶۷، ب۶از ابواب مزار دلالت بر این موضوع دارد.

ینصرف الی مایلی الرأس ثم یستقبل القبله و یدعو

ادب چهارم از آداب زایر آن است که در حال زیارت، مقابل روی مبارک آن امام معصوم (علیه السلام) و پشت به قبله قرار بگیرد و پس از فراغت از زیارت، گونه ی راست خود را بر قبر مطهر یا ضریح منور بگذارد و در حال تضرع، ابتهال وزاری دعا کند و خدای را بخواند؛ آ ن گاه گونه چپ خود را بگذارد و دعا کند و از خدای تعالی مسألت بنماید به حق ذات مقدسش و به حق صاحب آن قبر شریف وی را مشمول شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و هر چه بیشتر اصرار در دعا و التماس به دربار الهی کند. آن گاه از آن جا به طرف بالای سر برود و رو به قبله آورد و دعا کند.

آری! همچنان که انسان هنگامی که به ملاقات بزرگی می رود رو به روی او می ایستد یا می نشنید در زیارت امام (علیه السلام) نیز این ادب عرفی، اخلاقی و شرعی ملاحظه می شود و زیارت کننده مقابل امام، قرار می گیرد هر چند که چون صورت مبارکشان در مضجع شریف، رو به قبله است انسان در حال مواجهه با صورت مبارک، پشت به قبله واقع می شود.

این زیارت غیر از دیدار دوستان و ملاقات با شخصیت های مورد علاقه است زیرا انسان زایر در کنار قبر مطهّر و مرقد منور ولیّ الله اعظم قرار گرفته؛ بنابراین گونه ی راست و چپ خود را به قبر مطهر و یا ضریح شریف امام (علیه السلام) بگذارد، با کمال تضرع و زاری دعا کند، به دربار الهی بنالد و با خدای بزرگ زمزمه ی بندگی داشته باشد و در این عمل، هم منتهای علاقه مندی و عمق دلدادگی خود را به مقام رفیع امام و حجت بالغه ی الهی و شدت

تواضع خویش را در برابر ولی خدا نشان دهد و هم بهترین زمینه مساعد و مناسب برای تقرّب به خدا و اجابت دعا و درخواست خود را فراهم آورده است و از این رو در آن حال، ملتمسانه دعا و نیایش بنماید.

به اقتضای مکان و حال، شایسته است زایر از خدا بخواهد که به فیض بزرگِ شفاعت آن ولی اعظم الهی نایل گردد. و چون مکان، بسیار مقدّس و مورد نظر لطف الهی است و رحمت پروردگار، بی دریغ در آن جا ریزش می کند و ملائکه الله همواره در نزول و صعود و آمد و رفت هستند پس هر چه می تواند به دربار الهی، دعا و ابتهال کند که در حقیقت با فرشتگان مقرّب خدا همنوا می گردد؛ به مختصر دعا و نیایش، خود را قانع نسازد و متذکر این معنی باشد که این توفیق همواره رفیق و نصیب انسان نمی شود و اکنون باید کاملاً از آن قدردانی نمود.

بالاخره، بعد از انجام این مراسم و برنامه ها به ناحیه بالای سر مبارک امام (علیه السلام) بیاید؛ رو به قبله کند و به دعا و نیایش و راز و نیاز با خدا بپردازد که این خود نتیجه ی آن زیارت و روی آوردن به امام معصوم (علیه السلام) است.

۵. خامسها الزیاره بالمأثور و یکفی السلام و الحضور

پنجمین مطلب، زیارت کردن به صورتی است که در آثار اهل بیت عصمت (علیهم السلام) و علمای بزرگوار شیعه آمده و به دست ما رسیده است وکفایت می کند که انسان در آن مکان مقدس حضور پیدا کرده و عرض سلام کند.

و راستی زیارت های مأثور چه عبارات دلنشین و چه فقرات روح افزا و دلنوازی است و چه الفاظ پربار، سازنده و تربیت

کننده ای دارد.

این زیارت نامه ها آن چنان است که زایر را در حال و هوای ملکوتی خاصی می بَرَد و انسان در حال قرائت آن، خویشتن را در محضر امام و در حال مخاطبه با ولی اعظم خدا می بیند.

به راستی این زیارت نامه ها، سخن دل و حرف درون میلیون ها انسان علاقه مند و دلداده است و زایر با خواندن این فقرات و عبارات، رازهای درونی خود را به امام معصوم اش می گوید و به حق، دریغ است اگر انسان در آن مکان های مقدس و نورانی از خواندن آن زیارت نامه ها محروم بماند.

برای حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام)، حضرت امام حسین (علیه السلام) و حضرت رضا (علیه السلام) زیارت های اختصاصی متعددی است که برخی مختصر و بعضی طولانی اند. و نیز زیارت هایی داریم که هر یک از امامان را می توان با آن زیارت کرد؛ مانند زیارت «امین الله» و زیارت «جامعه کبیره». به حق انسان می تواند در حرم مطهر و کنار قبر حجت الهی با خواندن این عبارات و فقرات روحبخش و روان پرور، بهره های وافر ببرد.

مع ذلک اگر انسان، حال قرائت این زیارات را نداشته باشد می تواند به حضور در آن مکان مقدس و سلام کردن به صاحب روضه ی منوره و بقعه ی سامیه اکتفا کند.

مثلاً در زیارت امام هشتم بضعه ی سید الوری حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء می تواند بدین جمله مبارکه اکتفا کند و بگوید:

صلی الله علیک یا ابا الحسن صلی الله علی روحک و بدنک صبرت و انت الصادق المصدّق قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن

۶. سادسـها صـلاه رکعتی الزیاره عند الفراغ فان کان زایراً للنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) ففی الروضه و ان کان لاحد الائمه (علیهم السلام) فعند رأسه و لو صلاهما بمسجد المکان جاز...

ششـمین ادب زایر، دو رکعت نماز زیارت بعد از فراغ از زیارت و پایان یافتن آن است؛ حال اگر زایر قبر پیامبر (صـلی الله علیه و آله و سـلم) باشد آن دو رکعت نماز رادر روضه پیامبر می خواند و اگر زایر یکی از امامان (علیهم السـلام) باشد در نزد سر مبارک به جا بیاورد و اگر این نماز را در مسجد آن مکان بخواند کافی است.

راستی چه حسن ختـامی؛ بعـد از پایان زیارت ولیّ خـدا، نماز زیارت خوانـده می شود تا همه بداننـد که مآل کار، ذات لایزال الهی است و زیارت ائمه طاهرین صـلوات الله علیهم اجمعین دریچه ای به سوی خدا و وسـیله ای الی الله است؛ باید از مسیر آن عزیزان به خدا متصل شد؛ رو به دربار الهی آورد و در پیشـگاه مقدس او به بندگی ایسـتاد و برای او پیشانی را به خاک مذلت سایید.

آری زیارتی که با بسم الله و باذن الله آغاز می شود بایـد با نماز و رکوع و سـجود در برابر ذات اقـدس خداونـدی پایان بپذیرد که اول خـداست و آخر نیز خـداست تـا کسـانی که از رهگـذر جهـل، عنـاد و عصبیت جـاهلیت، زیارت مرقـد ائمه طاهرین را شرک به خـدا می دانند رسوا شوند و همه بدانند این گونه کلمات، شـعارهایی است که اعداء آل محمد به این افراد خشک و جامـد می آموزنـد تا از این مسـیر، منافع مادی خویشـتن را تأمین کنند؛ این کوردلان کم درک نیز سـخن نسـنجیده ی آنان را تکرار می نمایند. اما پاسخگوی گروهی از آن هاست که هنوز بهره ای از درک و وجدان دارند،

همین مطلب است که: دعا، زیارت، توسل و غیر آن ها همه از منبع توحید و یگانه پرستی و خداجویی نشأت می گیرد و انجام می پذیرد.

۷. سابعها الدعاء بعد الرکعتین بما نقل و الا فبما سنح له فی امور دینه و دنیاه و لیعمم الدعاء فانه اقرب الی الاجابه

هفتمین ادب از آداب زایر این است که بعد از انجام دو رکعت نماز زیارت، دعا کند و دعاهای مأثور و منقول از ائمه و بزرگان دین را بخواند و اگر آن قبیل دعاها میسر نشد هر دعایی که به نظرش آمد در رابطه با امور دین و دنیایش بخواند و دعا و درخواست خیر را تعمیم دهد و تنها برای خودش دعا نکند بلکه دیگران را در دعای خود داخل بنماید که این گونه دعا کردن به اجابت نزدیک تر است.

یکی از بهترین اعمال در این حرم های مطهر و به خصوص بعد از زیارت و نماز زیارت، دعا کردن است؛ زیرا شرایط و ظروف دعا بسیار مساعد و مناسب می باشد حرم مطهر امام معصوم و کنار قبر شریف ولی اعظم خدا آن هم بعد از انجام زیارت و نیز نماز آن، شرایط و زمینه های خوبی برای اجابت دعاست؛ از این فرصت، باید قدردانی کرد و مشغول به دعا و نیایش به درگاه الهی شد.

ضمناً دعا بر دو گونه است: یکی دعای مأثور و دیگر دعای مُنْشا.

دعای مأثور و زیارات: دعایی است که از خاندان عصمت و طهارت و اکابر دین به ما رسیده و در لابلای کتب ادعیه و زیارات و دیگر کتاب ها ثبت و ضبط گردیده است و در دسترس اهل دین و علاقه مندان به معنویات قرار دارد.

دعای مُنشأ: دعایی است که انسان، خود انشا می کند و حوایج و خواسته هایش را با الفاظ خویش به خدای تعالی عرضه می دارد.

از آن جا که امامان و بزرگان دین، آموزگاران دعایی اند و بهتر از هر کسی می دانند که چگونه و چه چیزی از خدا بخواهند و دعاهای آن ها دارای ابعاد و جهات گوناگون است و جامع و شامل می باشد؛ پس هنگام نیایش دعاهایی را که از آنان رسیده و به یادگار در دست ماست باید مقدم داشت؛ علاوه بر این حرم، حرم اهل بیت (علیهم السلام) است و چه خوب است که دعا هم دعای اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

آری! اگر شرایطی پیش آمد که آن دعاهای شریف فراهم نشد و زایر نتوانست از آن ذخایر معنوی و آسمانی استفاده کند البته هر چه از حوایج دنیا و آخرت که به ذهنش آمد به زبان بیاورد و برای رسیدن به آن مقاصد، خدای را بخواند و خواسته های خود را ذکر کند و از خداوند درخواست اجابت نماید.

ضمناً دعا و درخواست ها را در محدوده ی حوایج خویش قرار ندهد بلکه برای دیگران، برادران و خواهران مسلمان، آشنایان، خویشان، همسایگان، گرفتاران و درماندگان نیز دعا کند و مشکلات امت اسلامی را نیز در نظر آورد و اصلاح امور اهل ایمان را از خدای متعال در آن مکان مقدس و حال مخصوص درخواست کند؛ زیرا سهیم گردانیدن دیگران در دعای خود موجب آن است که دعای انسان حتی درباره ی خویش نیز سریع تر به اجابت برسد.

و چه خوب است که انسان در کنار قبر حجت الهی و به هنگام دعا، بندگان خدا را هم از یاد نبرد و رفع مشکلات و اصلاح امور آن ها را هم از خدا درخواست بنماید که این خود نشانه قلب

سلیم و پاک است و دعا را به اجابت می رساند.

۸. ثامنها تلاوه شیئ من القرآن عند الضریح و اهداؤه الی المزور، و المنتفع بذلک، الزایر و فیه تعظیم للمزور

هشتمین برنامه ی زایر این است که در نزد ضریح مطهر امام معصوم و حجت های الهی، مقداری از آیات قرآن کریم را تلاوت کند و آن را به صاحب ضریح و قبر شریف امامی که به زیارتش آمده هدیه نماید. و کسی که از این عمل بهره مند می شود خود زیارت کننده است و البته در این کار، تعظیم و بزرگداشت امامی است که زیارت شده است.

راستی چه ظریف و جالب است که در کنار قبر مطهر حجت خدا، آیات وسوره هایی از قرآن تلاوت شود تا به هر دو یادگار به جا مانده از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تمسک کرده باشد و کتاب خدا و اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) را با هم برای قرب به خدا وسیله قرار دهد.

با این کار بین قرآن و مفسران حقیقی قرآن یعنی خاندان پیامبر، پیوند داده و عملاً وصیت رسول اکرم را زنده داشته و احیا کرده که فرمود: «من از میان شما می روم و دو چیز گرانقدر و پربها را در میان شما می گذارم.» بنابراین قرائت قرآن در کنار قبر منور حجت بالغه ی الهی ندای لبیک به دعوت و خواسته پیامبر بزرگوار است؛ اثبات عدم جدایی این دو از یکدیگر بوده و انکار و نفی کسانی است که میان این دو یادگار رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) جدایی انداخته و یکی را گرفته و دیگری را رها کرده اند.

و چه افتخار آفرین است که سور و آیاتی از قرآن کریم قرائت می کند و ثواب آن را به روح مقدس امامی که در حرمش حضور یافته و زیارتش کرده است می نماید.

خداونـدا! این عمـل چه نشـاط انگیز و رمزدار است! گویـا زایر از اهـل بیت به سوی قرآن و از قرآن به سوی اهـل بیت (علیهم السلام) می رود و اگر زیارت کننده، به اسرار عالی و زیبای این آداب و وظایف، متوجه باشد لذت و انبساط خاطری فراوان به او دست خواهد داد.

آری! از یک سو با این عمل با رسول خدا، بیعت می کند و از دیگر سو از هدایت های این دو نور بهره می گیرد.

۹. تاسعها احضار القلب فی جمیع احواله مهما استطاع و التوبه من الذنب و الاستغفار و الاقلاع

نهمین ادب زیارت کننده این است که در تمامی احوالش تا سرحد امکان حضور قلب داشته باشد و ازگناهان توبه کند و طلب غفران و آمرزش از خدا بنماید و به کلی خویشتن را از گناه و بدی برکَنَد و جدا سازد.

امیـدوار کننـده ترین حالات برای اهل زیارت و مناجات، حالت حضور قلب است که یک سـره متوجه به خـدای تعالی باشد و همه فکر و انـدیشه خود را در آن نقطه متمرکز سازد. عمل انسان اگر همواره با حضور قلب نباشـد پیکری بی جان و فاقد روح است. آن چه کار انسان و عبادت و زیارت او را ارزشـمند و پربها می کند حاضر کردن دل برای خدا و زیارت و نیایشی همراه بـا توجه قلبی است؛ از این رو بایـد سـعی و کوشـش کرد که در همه احوال از ورود، زیارت و دعا تا نماز زیارت و غیر این ها همه با حضور قلب باشد و لحظه ای این حالت از او سلب نشود.

و نیز زایر از کرده های ناروای خود پشیمان باشد؛ احساس شرمندگی کند و تصمیم جدی بر رها کردن گناهان داشته باشد.

تـأثیر عمیق توبه و نـدامت از گناهـان در دعـا و زیـارت، قابـل انکـار نیست و سـلامی که از قلبی پاک و شسـتشو شـده از گناه برخاسـته و تقدیم حضور امام معصوم (علیه السـلام) و قبر مطهر ولی خدا شود بسـیار با ارزش است؛ این چنین سـلام و زیارتی مقبول و مبارک بوده و در خور جوابی شایسته و قرین عنایت الهی است.

۱۰. عاشرها التصدق علی السدنه و الحفظه للمشهد و اکرامهم و اعظامهم فان فیه اکرام صاحب المشهد علیه الصلاه و السلام

دهمین مطلب از آداب زایران این است که به کلیـدداران و نگهبانان حرم مطهر انفاق کنـد و در بزرگـداشت و احترام و اعظام آنان کوشش نماید؛ زیرا در گرامیداشت آنان اکرام و بزرگداشت صاحب آن قبر منوّر و ضریح مطهّر است.

آری! نگهبان صـحن و حرم الله، خادمان و کارکنان آن مکان مقدس مفتخرند که خدمتگذار حرم و صـحن و سـرای حضـرات معصومین (علیهم السلام) می باشند و همواره مباهات می کنند که به آن بزرگواران انتساب دارند.

آنان پیوسـته با این مکان های مبارکه در ارتباط انـد؛ همواره در آن مهابط وحی و الهام الهی رفت و آمد می کنند؛ زمینه های مساعد و لایق شأن امام (علیه السـلام) را برای واردین فراهم می کنند و شرایط مناسب برای زایران را آماده می نمایند؛ پس جا دارد کسـی که به عنوان زایر و به قصد زیارت این روضه منور و آسـتان ملایک پاسـبان آمده علاوه بر کمال ادب و تعظیم آن مرقـد مبارک و شـریف، در احترام و ادب نسـبت به خادمان، دربانان و محافظان آن حرم ملکوتی کوتاهی نکنـد؛ زیرا یکی از انواع اکرام و تعظیم امام معصوم و قبر مطهر و روضه ی مبارکه آن بزرگوار، احترام و

اجلال خادمان و دربانان اوست و اگر با توجه به همین نکته آنان را احترام نمایـد، به آن ها هـدیه بدهـد و انفاق کنـد از اجر و پاداش بزرگ و عظیمی برخوردار خواهد شد.

۱۱. و حادی عشرها انه اذا انصرف من الزیاره الی منزله استحب له العود الیها مادام مقیماً فاذا حان الخروج ودّع ودعا بالمأثور و سأل الله تعالی العود الیه

یـازدهمین چیزی که به جـاست زایر قبور امامـان بزرگوار و معصومین پـاک مراعـات کنـد این است که چون زیارت کرد و به منزل خود بـازگشت مستحب است تـا در آن و شـهر زیـارتی هست دوبـاره به روضه منوره حرم مطهر بـازگردد و چون هنگام بیرون آمدن از آن جا فرا رسـید و عزم مراجعت به شـهر خود کرد با عبارات مأثور و منقول از بزرگان دین، آن مضجع منور را وداع نموده و دعا کند و از خدای تعالی بازگشت به آن مکان مقدس را در خواست بنماید.

آری! کسـی که بنـا دارد مثلاً سه روز یا یک هفته در مشـهد مقـدس بمانـد اکتفا به یک بار و یا دو بار زیارت ننمایـد بلکه هر روز و هر شب اگر امکان داشـته باشد عمل مبارک خود را تکرار کند و هر بار که مشـرّف می شود تصـمیم داشـته باشد تا بار دیگر هم بیایـد و روضه ی منوره و حرم مطهر آن امـام همام را زیارت بنمایـد و تا از مسافرت مراجعت نکرده اوقات را غنیمت بشمارد و مکرراً زیارت کند.

و چون ایام اقامت سپری شـد و اراده ی بازگشت نمود زیارت وداع یعنی آخرین زیارت خود در این سـفر را انجام دهد؛ با قبر مطهر و روضه ی منوره امام و حجت الهی، خداحافظی کند؛ با

محبوب خود و مایه امید خود، راز دل بگوید و با دعاهای وارد شده این مراسم را به پایان برساند. و به ویژه در زیارت وداع متذکر این معنی باشد که شاید این آخرین زیارتم باشد و دیگر هرگز این سعادت را نیابم و پیوسته با چشم گریان و دل سوزان بگوید:

لا جعله الله اخر العهد من زیارتی لمشهد ابن بنت رسولک

خداوندا! این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده.

و از خدا درخواست کند که توفیق برگشت و زیارت آن مهبط انوار الهی رانصیبش گرداند.

۱۲. و ثانی عشرها ان یکون الزایر بعد الزیاره خیراً منه قبلها فانها تحط الاوزار اذا صادفت القبول

دوازدهمین مطلب از آداب مخصوصه آن است که زایر بعد از زیارت بهتر از زمان قبل از زیارت باشد؛ زیرا این زیارت اگر به مرحله قبول برسد وِرز وبال گناهان آدمی را می ریزد.

این نکته بسیار مهم و قابل توجه است و از بهترین و شاخص ترین آداب و وظایف زایر قلمداد می شود.

زیارت کننده باید بکوشد که زمان بعد از زیارت او نسبت به زمان قبل از زیارتش تفاوت داشته و فرق کرده باشد و زیارت قبر شریف ولی خدا او را تکان داده و متحول ساخته باشد. اگر این معنا در هر مرتبه زیارت او مراعات شود با یک سفرِ کوتاه زیارتی به کلی خود را از حضیض گناه، جهل، فساد و انواع شرک ها رهایی بخشد و به این ترتیب، زیارت او یک زیارت واقعی، خداپسندانه و مطلوب و پربار باشد و زیارتِ سازنده همین است که وقتی انسان از آن فراغت یافت احساس کند

که غرور، کینه توزی، حرص، حسد، کبر، عجب، خودخواهی، خودبینی و خودپسندی او به کلی از بین رفته است و حقیقت دعوتِ بزرگانِ دین به زیارت به همین مطلب باز می گردد.

۱۳. و ثالث عشرها تعجیل الخروج عند قضاء الوَطر من الزیاره لتعظیم الحرمه و یشتد الشوق و رَوی ان الخارج یمشی القهقری حتی یتواری

سیزدهمین امر که شایسته است زایر مراعات کند این است که چون به خواسته و مراد خود از زیارت رسید و آن را به انجام رسانید آماده خروج شود و برای رفتن شتاب کند تا عظمت حرمت امام (علیه السلام) را کاملاً رعایت کرده باشد و شوق و رغبت او نسبت به مرقد مطهر و حرم مقدس سخت و نیرومند گردد.

و در روایت رسیده که هنگام خروج از مضجع مطهر ولیّ خدا حضرت رضا (علیه السلام) و یا امامان دیگر صلوات الله علیهم اجمعین به صورت قهقرا بیرون بیاید و این گونه مشی را ادامه دهد تا زمانی که از حرم مطهر به کلی دور گردیده و قبر مطهر امام، از نظر او غایب گردد.

آری! کسی که مقدار مطلوب از زیارت را طبق خواسته و اراده ی خود انجام داد و تمام کرد و بعد عازم بازگشت است پس بشتابد و زود بار سفر بر بندد و خارج گردد چه بسا اکنون که زیارت را به پایان برده ماندن در آن مکان مقدس، نوعی بی حرمتی است که انسان مثلاً در مشهد باشد ولی دیگر اراده و عزم زیارت نداشته باشد. ضمناً ادامه این وضع، اهمیت قضیه را کم می کند و از شوق آدمی نسبت به آن مقام معظم و آن مراسم عالیه می کاهد.

وگویا مقصود شیخِ شهید قدس سره از این که فرمود: «در روایت رسیده ...» مطلبی است که در ذیل روایت ابوحمزه ثمالی از امام صادق (علیه السلام) رسیده که می فرماید:

فاذا خرجت فلا تولّ وجهک علی القبر حتی تخرج(۱)

پس هنگامی که خارج می شوی پشت خود را به قبر مکن تا زمانی که خارج شوی.

در ذیل این بحث تذکر می دهیم که این مطلب اخیر در شرایط عادی است ولی در ازدحام جمعیت و زمانی که مراعات این مطلب، موجب مزاحمت و اذیت دیگران است باید مراعات حال مردم را کرد و برای کسی ایجاد ناراحتی نکرد.

۱۴. و رابع عشرها الصدقه علی المحاویج بتلک البقعه فان الصدقه مضاعفه هنالک و خصوصاً علی الذریه الطاهره(۲)

چهاردهمین مطلب از آداب زایر آن است که در آن بقعه ی مبارکه به حاجتمندان و مستمندان انفاق کند و آن ها را از مال خود بهره مند سازد؛ زیرا پاداش صدقه و بذل مال در راه خدا در آن مکان مقدس، چند برابر است به ویژه انفاق و احسان بر ذریه ی طاهره یعنی سادات و ذراری حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).

آری! صدقه بر اهل حاجت و کمک مالی به بینوایان در آن مکان شریف، عملی مقدس است که در مکانی بسیار مناسب یعنی کنار قبر ولی اعظم خدا و امام معصوم مانند حضرت امام علی (علیه السلام) یا حضرت امام حسین (علیه السلام) و یا حضرت رضا (علیه السلام) انجام شده و به اعتبار عظمت مکان، اجر و ثواب آن افزایش

۱- کامل الزیارات، طبع سابق،ص۲۵۶، ۸۴، وداع قبر حسین بن علی (علیه السلام).
۲- الدروس الشرعیه، طبع مدرسهالنشر الاسلامی، ص۲۲ و ۲۴.

می یابـد و از طرفی این خود نحوه ای پیروی و تبعیت از آن امام همام و والامقام است. در حقیقت زیارت، مقرون به اطاعت از آن بزرگوار شده است پس طبیعی است که این صدقه و انفاق، از جهت پاداش و ثواب، ممتاز باشد.

و امـا ویژگی انفاق بر سادات و ذریه ی رسول الله و اهل بیت (علیهم السـلام) بسـیار روشن است زیرا انفاق و احسان به کسانی است که وابسته به صاحب قبر مطهرنـد و از خویشان، بستگان، فرزنـدان و ذراری آن بزرگوار قلمـداد می شونـد. این انفاق از امتیـاز بالاـ و اجر بیشتر و فراوان تری برخوردار خواهـد بود. به تعبیر دیگر علاوه بر زیارت که نوعی بزرگـداشت مقام امام (علیه السـلام) و تعظیم رتبه والاـی اوست که طبعاً موجب شـادی آن امام معصوم می گردد احسان و نیکی به اهل حاجت از ذراری رسول الله نوعی دیگر از بزرگداشت برای آن حجت الهی است وطبعاً موجب نشاط و شادی بیشتر آن بزرگوار خواهد بود.

شایـان ذکر است که فقیه نامـدار شـیعه مرحوم شـهید اول رضوان الله علیه به صورت رسـمی چهارده امر را در مورد آداب زایر ذکر فرموده است ولی موارد متعـددی از این چهارده امر متضـمن چنـد مطلب و چند ادب از آداب زایر است و اگر با دقت هر کدام از دیگری جدا شود حدود بیست و پنج نکته خواهد شد.

و بـا این حـال هنوز آداب و حالاـت دیگری است که در کلمات آن فقیه بزرگ و شـهید سـعید نیامـده است و مرحوم مامقانی رضوان الله علیه در مِرقاه الکمال و دیگران در کتاب های خود ذکر کرده اند.

دیگر آداب مهم برای زایر

ما در این جا بعضی از آدابی که ظاهراً ذکر نشده یادآوری می کنیم:

۱. معرفت و شناخت شخص مزور یعنی امامی که زیارت کننده به زیارتش آمده و این عمده شرایط، حالات و آداب زایر است و مقصود آن است که انسان، صاحب آن قبر شریف را امام مفترض الطاعه و شاهد و ناظر اعمال خود بداند.

۲. شناخت آن مکان مقدس و حرم مطهر؛ یعنی بداند که این بقعه منور از بیوت الله است که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَّا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَن ذِکْرِ اللَّهِ...(۱)

در خانه هایی که خداوند اذن در رفعت آن داد؛ خانه هایی که نام خدا در آن ها برده می شود و صبح و شام در آن تسبیح خدا می کنند مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و... باز نمی دارد.

و در یکی از اذن دخول ها می خوانیم:

اللهم اِنّ هذه بقعه طهرتها و عقوه شرفتها و معالم زکیتها حیث اظهرت فیها أدلّه التوحید و اشباح العرش المجید

خداوندا! به تحقیق این بقعه ای است که پاکیزه اش کردی و آستانی است که بدان شرف دادی و جایگاه هایی است که پاکش داشتی که ادله ی توحید و نمونه های عرش مجید را در آن ظاهر

۱- سوره نور، آیه ۳۶ و ۳۷.

گردانیدی.

۳. سخن های عَبَث و بیهوده و حرف های بی فایده را ترک کند؛ زیرا این مکان مقدس بیت الله است و بیت النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) و بیت خاندان پیغمبر است. زایر در این حرم های مطهر در محضر شریف و مقدس امام معصوم سلام الله علیه قرار دارد و با حجت بالغه ی الهی مواجه و روبرو می باشد؛ بنابراین باید حد اعلای احترام و اکرام نسبت به آن حرم های مطهر را رعایت کرد.

۴. از آداب زیارت این است که انسان کفش خود را در محدوده حرم بلکه نزدیکی های آن از پا درآورد؛ این مطلبی است که از قرآن کریم استفاده می شود آن جا که داستان حضرت موسی و رفتن او به کوه طور را بیان می کند می فرماید:

«إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی»(۱)

پس ای موسی! کفش های خود را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس (طوی) هستی.

حرم منوّر امامان معصوم (علیهم السلام) از وادی مقدس طوی و کوه طور کمتر نیست؛ حرم مولایمان حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) و فرزندان پاک او اگر بالاتر از وادی طور نباشد کمتر نیست از این رو باید از حول و حوش ضریح مطهر و بقعه مبارک آن عزیزان پای را برهنه ساخت.

البته این مطلب در مورد امامانی که بقعه و بارگاه دارند مراعات می شود بلکه گاهی بعضی افراد ازمنزلی که در مشهد در آن فرود آمده بودند پا را برهنه کرده و مسافت زیادی را می پیمودند ولی در مورد قبور مطهر چهار امام بزرگوار مدفون در بقیع چنین

۱- سوره طه، آیه۱۲.

نیست بلکه با کفش در حرم آن عزیزان خـدا وارد می شوند و احیاناً تا نزدیکی های قبورمنوره همچنان با کفش اند و پوشـش پای خود را بیرون نمی آورند.

باید توجه داشت که هر چند در اطراف و نواحی قبور این چهار امام بزرگوار، فرش و وسایلی نیست؛ جدار و ضریحی به چشم نمی خورد و روضه و بارگاهی نیست؛ زیرا گنبـد و بارگاه آن انوار طیبه به دست وهّابیون و سـلفی های از خدا بی خبر ویران شده است ولی شرط حرم، فرش و وسایل و ابزار فراوان و با شکوه نیست؛ پس باید حرمت حریم آن بزرگواران را نگاه داشت.

۵. در آن حرم های مطهر و بقعه های شـریف صدا را بلند نکنید؛ زیرا این حرم های مطهر مثل خانه و مرقد پیامبر است که خدا درباره آن می فرماید:

«لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی»

صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر نگیرید.

چون انوار طیبه ی امامان، اوصیای آن بزرگوار و پاره های تن آن حضرت هستند حکمی که در مورد آن حضرت است درباره ی آنان نیز جریان دارد. آن عزیزان خـدا، حاضـر و ناظرنـد؛ بنابراین نبایـد در حضور ایشان صـدا را بلند کرد که این خود سوء ادب و خلاف اخلاق فاضله است و نوعی بی حرمتی نسبت به آن ذوات مقدسه و انوار قدسیه به حساب می آید.

بنابراین بایـد صـدای خود را چه در مقام خوانـدن اذن دخول و زیارت و چه به هنگام دعا و مناجات و اذکار مقـدس و تلاوت قرآن، پایین آورد.

۶. از جمله آداب زایر آن است که در طول سفر یعنی از هنگام حرکت تا رسیدن و فرود آمدن در کنار قبه ی سامیه از خلاف شرع بپرهیزد و به واجبات الهی سخت اهتمام بورزد. به خصوص مواظبت داشته باشد که نمازش در اثناء راه از بین نرود و قضا نشود بلکه نمازها را هر کدام سر وقت انجام دهد. این برای زایر قبر معصومین زشت و زننده است که در راه زیارت آن بزرگواران اعتنا به نماز نداشته باشد و آن را ترک کند و با بهانه های واهی و سست مثل این که نماز خواندن در قطار مشکل است یا در هواپیما نمی شود نماز خواند و یا امثال آن نماز خود را ترک کند.(۱)

و نیز در مسیر زیارت از نگاه کردن به نامحرم و نظر نمودن به زنان و دختران دیگران و مراوده و گفتگو با نامحرمان سخت اجتناب کند که خطر عظیم او را تهدید می کند و ممکن است در سفر زیارت در ورطه ی بلا بیفتد و آلوده به زنا و بی عفتی گردد.

در همین راستا باید عرض کنم برای رفتن به زیارت باید سخت مواظب محرم و نامحرمی بود؛ نکند در قطار یا هواپیما یا اتوبوس این مرزها و حریم ها شکسته شود؛ با کمال تاسف برخی مهماندارن زن هواپیما با آرایش تند و صورت باز و گاهی کشف قمستی از مو در هواپیما مشغول انجام کارها و خدمت رسانی هستند اگرچه ادب و احترام نسبت به مسافران را خوب رعایت می کنند.

از سوی دیگر مردان عموماً و جوانان بالخصوص بدانند که

۱- چقدر جای شرمندگی است که گاهی نقل می کنند که قطار در ایستگاه توقف می کند و از میان یک جمعیت انبوه و فراوان فقط سی نفر یا پنجاه نفر مثلاً براینماز پیاده می شوند و گویا نماز برایشانهیچ اهمیتی ندارد.

هیچ عذری ندارند که به آن ها خیره شوند و نگاه های متعاقب و مریبانه کنند و سر صحبت و شوخی با آن ها باز نمایند. همچنین اگر در میان مسافران و سرنشنیان هواپیما زنان بی مبالات و دختران بی تقوایی باشند که خود را ساخته و پرداخته باشند و بی باکانه خود را در معرض دید دیگران قرار داده اند جوانان متعهد از نظر کردن به آن ها و مراوده و ارتباط و شوخی کردن با آن ها بپرهیزند و سفر زیارتی خود را سفر گناه و معصیت قرار ندهند. و نیز در قطار و اتوبوس ها این مطالب را رعایت کنند. البته باید در همه سفرها مراعات این امور شرعی و الهی را بکنند ولی سفر زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و کلاً سفر زیارتی امتیاز دارد و باید جداً از این برنامه های مخرب و منحرف کننده سخت احتراز داشته باشند.

و نیز ازاین که چند نفر که با هم نامحرم اند هر چند از یک خانواده باشند با یک ماشین مسافرت کنند، بپرهیزند.

دوست محترمی از صلحای قم می گفت: «دامادم با همسرش، و دوست او نیز با همسرش، با اتومبیل شخصی خود به مشهد مشرف شدند؛ من از این موضوع ناراحت بودم که چرا دو مرد جوان با دو زن جوان و نامحرم مسافرت کردند. در بازگشت دخترم برای دیدن من آمد اما او را نپذیرفتم و اظهار ناراحتی کردم که چرا با مرد نامحرم در یک اتومبیل شخصی به سفر رفته است. او اظهار ندامت و نگرانی از کار خود کرد و آن گاه او را پذیرفتم.

در این جا اذهان جامعه اسلامی از مرد و زن، دختر و پسر را به این حدیث شریف جلب می کنم و از همه آن ها می خواهم به حرمت حضرت رضا (علیه السلام) که خود این حدیث یا اقلاً مضمون

آن را در ذهن بسپارند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

باعدوا بین انفاس الرجال و النساء فان کانت المعاینه و اللقاء کان الداء الذی لا دواء له(۱)

میان نفس های مردان و زنان فاصله ایجاد کنید و دوری ایجاد نمایید پس اگر همدیگر را ببینند و با هم ملاقات کنند مرض و بیماری ای است که دوا ندارد!!

امت اسلامی مواظب دختران و پسران خود باشند؛ مبادا به قصد ثواب و اندوختن پاداش الهی به زیارت بروند ولی در اثر مراعات نکردن احکام الهی و مقررات مذهبی با کوله باری از گناه بازگردند و به جای تقرب و نزدیک شدن به ساحت قدس ولیّ خدا، قلب مبارک آن حجت بالغه ی الهی را از خود رنجانیده و خویشتن را مشمول نفرین آن بزرگوار قرار داده باشند.

و نیز به دختران مسلمان توصیه و از آن ها درخواست می کنیم که در خیابان های مشهد و یا در صحن های شریف با صورت باز و آرایش کرده و لباس ها و مدهای برگرفته از اجانب ظاهر نشوند که ممکن است مورد نفرین حضرت رضا (علیه السلام) واقع شوند. و نعوذ بالله من ذلک

مردانی که با زنانشان مشرّف می شوند خصوصاً جوانانی که تازه ازدواج کرده اند غیرت اسلامی خود را حفظ کنند؛ همسر خود را با رو و موی باز و آرایش کرده در خیابان ها نگردانند و بترسند که ممکن است مقدراتشان در همین سفر به بدی، بلا و گرفتاری شخصی، تصادف، حریق و بیماری لاعلاج رقم بخورد.

۱- المحاسن و الاضدادِ جاحظ، ص۱۵۹.

از خدای متعال می خواهم که سفر زیارتی آنان این چنین نباشد.

۷. از آداب مهم سفر مقدس زیارتی این که در اثنای مسافرتِ زیارت و در بین راه از ضایع کردن مال مردم و دزدی از باغات آنان و خلاصه از تصرفات عدوانی باید سخت احتراز کرد؛ هرگز زیارتی که همراه با این کار باشد پذیرفته نخواهد شد و اگر چنین جریانی پیش آمد باید با جدیت تمام در پی جبران آن برآمد.

درماه رجب سال۱۴۲۸ درسفر مشهد مقدس، شخصی میانسال و محترم در مسجد گوهرشاد جلو آمد و گفت: «مسأله ای دارم.» گفتم: «بفرمایید.» گفت: «من با اعضای خانواده با ماشین شخصی، به مشهد مشرف شدیم. در بین راه بچه ها مقداری از میوه های یکی از باغ ها مانند انگور و گوجه و غیر این ها را چیده اند و هنوز هم قسمتی از آن باقی مانده است. اکنون چه کنیم؟»

گفتم: «باید صاحب باغ را شناسایی کنید و هر مقدار از مال او را که برداشت کرده اید جبران نمایید و یا جلب رضای او را بکنید.»

گفت: «این ممکن نیست؛ زیرا آن باغ در سمنان بوده و شناسایی صاحبش ممکن نمی باشد.» گفتم: «پس قیمت مقداری را که برداشت کرده اید از طرف صاحبش صدقه بدهید.»

گفت: « با باقیمانده میوه ها چه کنم؟»

گفتم: «آن را هم به نیت صاحبش به شخص فقیری بدهید.»

به هرحال ترک هر واجبی از واجبات الهی و انجام هرحرامی ازمحرّمات پروردگار بزرگ، منافی با زیارت و مخلّ به قبولی آن است و از تقرب زایر به ساحت والای حضرت رضا (علیه السلام) و دیگر شخصیت های آسمانی که انسان عزم زیارتشان را کرده

ممانعت می کند.

۸. تا ممکن است تشرف او به حرم مطهر و زیارت، مقصد اصلی و هدف کلی او باشد و آن را با کارهای دیگر مخلوط و ضمیمه نکند بلکه اصل مسافرت خود را مادی ننماید.

دوست عزیز و با فضیلتی داشتیم. در یکی از سفرهایی که به مشهد مشرف شدم کتابی در دست چاپ داشتم و بنا بود که ایشان آن را چاپ کنند. گویا تلفنی برای گفتگوی مربوط به کتاب پیشنهاد کردم که در صحن مطهر با ایشان ملاقات کنم ولی آن انسان شریف گفت: «من در آن جا برای کاری جز زیارت نمی روم و فقط برای زیارت در آن جا حضور می یابم!»

۹. این که از ازدحام جمعیت که در نتیجه نمی توان نزدیک به ضریح شود نگران نباشد بلکه خدا را شکر کند که دل ها این گونه در هوای حضرت رضاست که خداوند ثواب نزدیک شدن و بوسیدن ضریح را به او خواهد داد.

۱۰. بر سر مکان عبادت و زیارت مجادله نکند؛ بلکه ایثار کند و خود در مکان دورتری جا بگیرد و مراعات ادب کند که خداوند اجر بیشتر به او خواهد داد. و نیز در نماز خواندن و زیارت برای کسی ایجاد مزاحمت نکند و آرام تر بخواند.

۱۱. و از آداب لازم زایر این است که مردم شهر زیارتی مانند اهل مشهد یا اهل کربلا و نجف و دیگر مراکز زیارتی را احترام کند و با ادب کامل با آنان مواجه شود؛ مبادا از وضع زایران و برخورد ناشایست برخی از آنان به تنگ بیایند و یا از زایری خاطره بدی در ذهنشان بماند بلکه باید چنان با آن ها رفتار کرد که همواره ذکر خیر زایران کنند. بالاخره باید توجه داشت که برای

مثال، اهل مشهد مجاوران همیشگی محبوب ما حضرت رضا (علیه السلام) هستند و از این رو در خور احترام اند؛ البته مجاوران نیز باید از زایران حضرت رضا (علیه السلام) تقدیم و احترام کنند.

آری! اگر زایران قبر مطهر حضرت رضا (علیه السلام) و یا دیگر عزیزان خدا صلوات الله علیهم اجمعین بکوشند که این شرایط و آداب را تأمین و فراهم نموده و در وجود خود حاکم سازند امید آن می رود که حتی یک زیارت مختصر از آن بزرگوار و دیگر حضرات معصومین (علیهم السلام) اثر کلی و چشم گیر داشته باشد و بدین وسیله انسان، مشمول عالی ترین الطاف و عنایات حضرت ثامن الائمه (علیه السلام) و آبای پاک و ابنای گرامی آن سَرور اخیار قرار بگیرد؛ گره های کور و باز نشدنی زندگی او از این رهگذر باز شود و درها و دریچه هایی از رحمت ویژه ی خداوند سبحان به قلب او گشوده گردد که برای همیشه از آن محظوظ و برخوردار باشد همواره احساس نشاط و انبساط در درون خود بنماید و خویشتن را در ارتباط با خدای رحمان و رحیم و اولیای گرامی او ببیند و از این احساس، مقدس بهترین لذت ها را از حیات و زندگی پرمعنای خود ببرد.

بخش پنجم: زیارتی مختصر و پربار از حضرت رضا علیه السلام

اشاره

در این جا مناسب است که زیارتی مختصر از مولی الوری حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را ذکر کنیم تا هرجا که هستیم چه در کنار قبر مطهر آن سید ابرار و چه در نقاط دور دست، مولای عزیز خود را بدان زیارت کنیم و اگر مجال زیارت های مفصل و طولانی نداریم به این زیارت مختصر اکتفا نماییم. انشاء الله آن حضرت، این عرض ادب ناقابل را ما به ساحت مبارکشان با بزرگی و رأفت و رحمت خاص خود که شعبه ای از رحمت بیکران الهی است بپذیرند و بالاتر این که زیارتمان موجب جلب رضا و خشنودی خاطر مبارک آن بزرگوار گردد؛ پیام روح بخش رضایت و خشنودی خود را به گوش جان ما برسانند و به قلب ما الهام بفرمایند و ما را مشمول دعای خیر خودشان قرار بدهند که البته این مطالب از ساحت مقدس، مقام منیع و شأن والا و رفیع آن بزرگوار دور نیست. صلوات الله علیه و علی آبائه و ابنائه الطاهرین

ابن قولویه از علمای بزرگ و متقدم شیعه از بعضی از ائمه طاهرین (علیهم السلام) روایت کرده که فرمودند: چون نزد قبر امام رضا (علیه السلام) بروی بگو:

اللهم صلّ علی علیّ بن موسی الرّضا المرتضی الامام التّقی النّقی وحجّتک علی من فوق الارض و من تحت الثّری الصّدّیق الشّهید صلاه کثیره تامّه زاکیه متواصله متواتره کافضل ما صلّیت علی احد من اولیائک

پیش از این یعنی در ذیل ادب پنجم از آدابی که شیخ شهید ذکر فرموده بود زیارتی مختصرتر نیز برای حضرت رضا (علیه السلام) ذکر شد.

عرض ادبِ شاعران به آستان مقدس حضرت رضا (علیه السلام)

شعرا و ادیبان از اهل ولا هر کدام با لطافت شعری و زیبایی سخن خود به آستان مقدس حضرت رضا (علیه السلام) عرض ادب و اخلاص کرده اند؛ مراتب عرفان و شناخت آنان نسبت به وجود پاک حضرت رضا و آباء گرامی و اجداد طیبین آن حضرت در تعبیرات و لطایف و ظرایفی که در شعر و سخن خود به به کار برده اند کاملاً نمودار است. در این میان بعضی از علمای بزرگ و از مراجع عالی مقام نیز به آستان قدس حضرت رضا (علیه السلام) عرض ادب و اخلاص کرده و اشعاری نغز و با لطافت سروده اند و اثر ویژه ای دارد.

از جمله یکی از بزرگانِ معاصر تحت عنوان «شرح اشتیاق»، قطعه ای جالب دارند:

الا باد صبا ای پیک عشّاق

پیامی بر از این مهجور مشتاق

به سوی خطّه ی قدس خراسان

به طور پور موسی قطب امکان

به سوی مقصد پاکان و خاصان

به سوی قبله ی ارباب عرفان

به سوی کعبه ی اصحاب حاجات

به دار معجزات و خرق عادات

مکان علم و توحید و فضیلت

مقرّ پیکر پاک حقیقت

به درگاه رضا (علیه السلام) سبط پیمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

غیاث خلق عالم، غوث اکبر

رواقش رشک فردوس برین است

هوایش مشک بیز و عنبرین است

رضا (علیه السلام) شاهنشه ملک فضایل

ستوده سیرت و نیکو خصایل

جهان مکرمت، مصباح بینش

سپهر مرحمت، دریای دانش

امام مشرق و مغرب شه دین

مکان عزّت و اجلال و تمکین

فروزان مهر پر نور ولایت

درخشان درّ دریای امامت

جمال الله و وجه الله اعظم

ولی الله و سرّ الله اقوم

سلامم را نما تقدیم کویش

مشام جان معطّر کن ز بویش

بگو «لطفی» غمین و دل فکار است

جدا از روضه ات محزون و زار است

ز هجرم آن چنان اندر تب و تاب

که ماهی آن چنان در خارج از آب

الا ای مظهر الطاف باری

ز درگاه تو خواهم رستگاری

خجسته درگهت باب نجات است

و ز آن خلق جهان را بس صلات است

خوشا حال نکوی خادمانش

خوشا حال حضور زایرانش

خوشا آنان که آن جا در نمازند

خوشا آنان که در راز و نیازند

الا ای معدن لطف و عنایات

الا ای مرکز جود و کرامات

از این بار غم و این نار هجران

خلاصی ده مرا ای رکن ایمان

قبولم کن که سر تا پا خطایم

گدای کوی احسان شمایم(۱)

۱- اثر طبع حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله.

دعا و نیایش زایر

بارخدایا! به حرمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان پاکش زیارت قبور آن عزیزان را با معرفت کامل نسبت به آن ذوات مقدسه و با همه آداب و شرایط نصیب ما بگردان.

خداوندا! ما را به زیارت آن عزیزان و سرافرازان بارگاه قُدس، بدان گونه که موجب رضای تو و خشنودی آن بزرگواران است موفق بدار.

پروردگارا! ما را از آثار و برکات بی شمار زیارت اولیاء بزرگوارت در دنیا و آخرت بهره مندگردان و همان گونه که زیارت قبر منورشان را نصیب فرموده و می فرمایی ما را از شفاعتشان در آخرت و از جوار آنان در بهشت نیز بی نصیب مفرما.

پروردگارا حوایج همه زوار قبر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را برآورده فرما و آنان را با حاجات روا شده به شهرها و منازلشان برگردان.

خداوندا! مملکت شیعه، ایران را از خطر حوادث و از شر اشرار داخلی و خارجی مصون و محفوظ بدار و به جوانان ما الهام خیر بفرما.

خداوندا! همان گونه که مولایمان حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) وعده داده اند که در مواقع مشکله روز قیامت از زایران خود دیدار کنند ما را زایر واقعی آن بزرگوار و آباء طاهرین و ابناء طیبین آن حضرت قرار ده؛ آن انوار طیبه را در شداید و سختی های جهان آخرت به فریاد ما برسان و به برکت آن ها ما را از آن مواقف خطرناک و جانکاه به راحتی برهان وبه جوار رحمت خود برسان.

قم، حوزه علمیه

علی کریمی جهرمی

ذی القعده ۱۴۲۸ ه ق

منابع

۱ قرآن کریم.

۲ آملی، عبدالواحد، مترجم محمدعلی انصاری قمی، غررالحکم و دررالکلم، چ تهران.

۳ خامنه ای، سیدعلی، از ژرفای نماز.

۴ خمینی، سید روح الله، سرالصلواه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره

۵ دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مرکز نشر کتاب.

۶ الامام الرضا (علیه السلام) ، علی ابن موسی، فقه الرضا، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه السلام)

۷ رضی، محمد ابن احمد (ذی المناقب) ترجمه فیض الاسلام، نهج البلاغه، تهران ۱۳۹۲ (ه.ق)

۸ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام) .

۹ شیبانی، ابی عبدالله، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۰ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، ثواب الأعمال، تهران ۱۵۴.

۱۱ همان، کتاب الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.

۱۲ همان، عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.

۱۳ همان، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالصعب.

۱۴ طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، کتابفروشی اسلامیه.

۱۵ عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء

التراث العربی، الطبقه الخامس، ۱۴۰۳ (ه.ق)

۱۶ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا (علیه السلام) ، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ (ه.ق)

۱۷ غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۸ فیض کاشانی، محسن، المحجه البیضاء، خ تهذیب الإحیاء، قم، انتشارات اسلامی.

۱۹ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲۰ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال.

۲۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دارصعب.

۲۲ ملکی تبریزی، میرزا جواد، ترجمه رضا رجب زاده، اسرار الصلاه، تهران، انتشارات پیام آزادی.

۲۳ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفأ، ۱۴۰۳ (ه.ق).

۲۴ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه.

۲۵ نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات دارالتفسیر.

۲۶ هندی، علی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.

فهرست آثار چاپ شده مؤلف

آثار عربی

۱. العتره و القرآن

۲. امیر المؤمنین فی وصف الواصفین

۳. جذبات نهج البلاغه

۴. الدرّ المنضود فی احکام الحدود، در سه جلد

۵. نتایج الافکار فی نجاسه الکفار

۶. صلاه الجمعه فی غیبه الحجه

۷. حول مسائل هامّه من قضاء النراقی

۸. مع المحقق الاردبیلی فی مسائل من الفقه

۹. الصیام و شهر رمضان المبارک

۱۰. مع معلم الاخلاق فی صفحات المکاسب

۱۱. المقدس الاردبیلی اضواء علی حیاته و شخصیته

۱۲. مقتطفات بقیه السلف

۱۳. صوره موجزه من حیاه المرجع الکبیر السید الگلپایگانی

۱۴. حیاه آیه الله آیت اللهی الجهرمی

آثار فارسی

۱۵. رازهای آسمانی، تفسیر سوره حدید

۱۶. نظام اخلاقی اسلام، تفسیر سوره حجرات

۱۷. تجلی انسان در قرآن، تفسیر سوره انسان

۱۸. نمونه هایی از تأثیر و نفوذ قرآن

۱۹. شناخت قرآن از رهگذر قرآن

۲۰. سیمای عبادالرحمان در قرآن

۲۱. چهره های محبوب در قرآن

۲۲. قرآن و هدایت اندیشه ها

۲۳. مبارزه طاغوتیان با قرآن

۲۴. جاذبه ی قرآن

۲۵. دختر و پسر نمونه در قرآن

۲۶. نشانه های او در قرآن

۲۷. یکصد و یک پیام از قرآن

۲۸. اولیاء الله در قرآن و روایات

۲۹. جهان اسلام و مسئله ی تحریف

۳۰. صراط مستقیم در قرآن

۳۱. دولت قرآن (درآمدی بر پیام های اخلاقی قرآن)

۳۲. خاطرات قرآنی

۳۳. بهار جانها (دعاهایی منتخب و مأثور از بزرگان دین)

۳۴. شوق دیدار (نگرشی بر آثار و آداب زیارت)

۳۵. سیری گذرا در سیره ی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

۳۶. سیمای قرآن در نهج البلاغه

۳۷. سیمای امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

۳۸. سیمای پرهیزکاران (پیرامون خطبه متقین از نهج البلاغه)

۳۹. به سوی مدینه فاضله(شرح نامه حیات بخش امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام))

۴۰. هشداری از امیرمؤمنان (علیه السلام) به فرماندار‌بصره(پیرامون نامه عثمان بن حنیف)

۴۱. چشمه سار تربیت علوی (علیه السلام) (نگرشی بر اخلاق از منظر

ص: ۱۰۹

امیر مؤمنان (علیه السلام) و نهج البلاغه)

۴۲. اشعه ی حیات از بستر شهادت (شرح آخرین وصایای حضرت علی (علیه السلام))

۴۳. جرعه ای از چشمه سار غدیر

۴۴. سیره و سخن فاطمه (علیهاالسلام)

۴۵. در ستایش فاطمه (علیهاالسلام) (مروری بر ثناگویی از حضرت صدیقه کبرا (علیهاالسلام) در محفل ملکوت)

۴۶. ریحانه ی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام حسن مجتبی (علیه السلام)

۴۷. سیمای امام حسین (علیه السلام)

۴۸. در مکتب امام حسین (علیه السلام)

۴۹. مهر ولایت از آسمان ایران (نگرشی بر زندگانی و ابعاد شخصیتی حضرت رضا (علیه السلام))

۵۰. عقیله ی بنی هاشم، زینب (علیه السلام)

۵۱. تکرار حماسه علی در خطبه زینب (علیهاالسلام)

۵۲. بانوی ملکوت، حضرت معصومه (علیهاالسلام)

۵۳. عنایات مهدی موعود به علما و مراجع تقلید

۵۴. مهدی مقتدای مسیح (علیه السلام)

۵۵. حقوق فراموش شده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵۶. به یاد مهدی زهرا (علیهاالسلام)

۵۷. حدیث آرزومندی (شرح دعای ندبه)

۵۸. زمزمه ی عاشقان (شرح دعای افتتاح)

۵۹. بحث هایی پیرامون زیارت ناحیه مقدسه

۶۰. صحیفه ی آفتاب (سخنان گهربار مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم))

۶۱. بررسی مقایسه ای بین حضرت مهدی و امام حسین (علیه السلام)

۶۲. دیدگاه شیخ مفید در مسئله حبوه (رساله فقهی)

۶۳. سروش رحمت (تحلیلی از خطبه شعبانیه پیامبراکرم صلوات الله علیه)

۶۴. سیمای رمضان در صحیفه سجادیه

۶۵. آیین روزه داری

۶۶. پیام رمضان

۶۷. اسرار لیالی قدر

۶۸. خط سرخ شهادت

۶۹. ارزش های اصیل و انسانی

۷۰. اذان، نغمه آسمانی

۷۱. آوای رحیل (نگرشی بر حالت احتضار)

۷۲. شهید ربذه، ابوذر غفاری

۷۳. مقدس اردبیلی سرخیل قدسی فقاهت

۷۴. چهار گفتار پیرامون نام آوران بیدار

۷۵. آیت الله مؤسس (مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری)

۷۶. یادی از شیخ المراجع، آیت الله العظمی حائری

۷۷. خورشید آسمان فقاهت (آیت الله العظمی گلپایگانی)

۷۸. مهاجرالی الله درخط جهاد واجتهاد(حضرت آیت الله سید عبدالحسین لاری)

۷۹. سلاله پاکان (مرحوم آیت الله سید علی اکبر آیت اللهی جهرمی)

۸۰. اسوه صالحان (مرحوم آیت الله سید ابراهیم حق شناس جهرمی)

مجموعه کتاب های ره توشه:

آستان دوست

آئین محبت

باران فضیلت

برهان قاطع

پیروز حقیقی

جلوه وصال

حکایت آفتاب

خورشید شب

در دامان مهر

شرح بی نهایت

صحیفه صحت

نشانی بهشت

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹